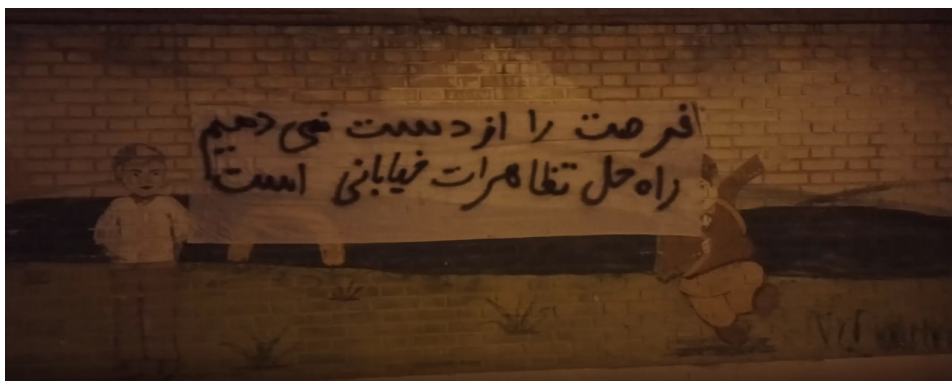


انسانیت در برابر فاشیسم اسلامی حاکم

شهلا دانشفر، صفحه ۳



حمید تقوایی: به مناسبت بیست و سومین سالگرد درگذشت منصور حکمت
او ضرورت زمانه بود، صفحه ۱۷

نانوهای معترض کارت خون های "نانینو" را تحویل میدهند-مهران محبی
صفحه ۲

هیچ انسانی غیر قانونی نیست!

سیاست فاشیستی اخراج افغانستانی‌ها باید فوراً متوقف شود!، صفحه ۵

مصوبه جدید مجلس اسلامی برای انتقام از مردم
اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در مورد، صفحه ۶

جنایت رژیم در همدان به صحنه اعتراض قدرتمند مردم تبدیل شد صفحه ۱۳

مدیای اجتماعی

بیانیه بیش از ۱۳۰۰ نفر از روزنامه‌نگاران، سینماگران و فعالین و شهروندان ایرانی و افغانستانی
به رفتار غیر انسانی با افغانستانی‌ها پایان دهید! صفحه ۳

آتش بس شد! اما جنگ ما مردم بر سر زندگی و معیشت آتش بس ندارد!، صفحه ۱۴

۵۷ حقوقدان و وکیل: طرح تشدید مجازات جاسوسی باید کنار گذاشته شود، صفحه ۶

اطلاعیه مطبوعاتی پایانی کنفرانس روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران، صفحه ۱۵

حسین واحدی بازرس انجمن صنفی فرهنگیان خراسان روانه زندان شد، صفحه ۱۵

بیانیه: "انجمن یاری کودکان در معرض خطر" در اعتراض به رد مرز کودکان، صفحه ۱۶

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان: دفاع از حقوق کودکان، جرم نیست، صفحه ۱۶

ابراهیم مددی آزاد شد، صفحه ۱۲

دو هفته جنگی بر ما چه گذشت!، صفحه ۱۶

در محکومیت دستگیری حسین میربهراری و ادامه بازداشت وی، صفحه ۱۶

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۹۱

۱۶ تیر ۱۴۰۴

۷ ژوئیه ۲۰۲۵



دوشنبه ها منتشر میشود

**ادامه اعتراضات کارگران
آلومنیوم اراک (ایرالکو)**
صفحه ۸

**کارگران در هفته ای که
گذشته** صفحه ۷

از خوزستان خبر میرسد
صفحه ۹

**به حزب
کمونیست کارگری
بپیوندید!**



تلگرام: @wpi_tamas

۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

نانوایهای معترض کارت خوان های "نانینو" را تحویل میدهند-مهران محبی



زندگی، سرانجام در دو، سه ماه گذشته که اعتراضات وسیع نانوایان در جریان بود، از فرصت سواستفاده کرده و قیمت انواع نان را از ۴۰، ۵۰ تا بیش از ۱۰۰ درصد در صد افزایش دادند. اما می بینیم که مشکل نانوایان همچنان باقی است. کمبود سهمیه آرد و میزان بالای حق بیمه کارگران و غیره در وضعیت قبلی دست نخورده باقی مانده و حالا عدم پرداخت پول نانوایان توسط دولت که مستقیم به حساب آن واریز می شود نیز به مشکلی جدید تبدیل شده و بر مشکلات پیشین نانوایان اضافه گردیده است.

اما مشکل نانوایان همانطور که خود بارها در تجمعات و بیانیه های شان عنوان کرده اند فقط به نانوایان و کارگران نانوائی ها محدود نمی ماند. کمبود نان و همچنین کاهش ساعات کار نانوائی ها ناشی از کاهش سهمیه آرد است که باعث ازدحام جمعیت و تشکیل صف های طولانی در مقابل نانوائی ها شده است. همچنین وقفه هایی که به خاطر قطعی های مکرر برق در فعالیت نانوایان می افتد، باعث خرابی خمیر و ضرر رساندن به نانوایان شده و کیفیت نان را هم شدیداً پائین می آورد. بعلاوه سامانه نانینو که در اصل برای سهمیه بندی نان و کاهش میزان مصرف آن طراحی و راه اندازی شده است، بخش عظیمی از خانواده هایی که به علت فقر و ننداری مجبورند شکم شان را با نان خالی سیر کنند، با گرسنگی و ریاضت کشی مواجه کرده است.

در نتیجه این بخش عظیم از مردم باید روزانه وقت بیشتری را در صف خرید نان بگذرانند. صفوف خرید نان در محلات حاشیه نشین و کم بضاعت تر به حدی شلوغ هستند که نسل های قیل از دهه 60 را به یاد آن ایام و صف های طولانی و پر سر و صدای نان و خواربار و نفت می اندازد.

با این تفصیل، اقدام و تصمیم به تحویل دادن کارتخوان ها و قطع همکاری با سامانه نانینو توسط نانوایان معترض یک اقدام و تصمیم شایسته و درخور تقدیر و پشتیبانی عمومی است. کنار گذاشتن کارتخوان ها یک تودهنی به حکومت و سران چپاولگرش است که با تحمیل چنین ریاضت کشی و گرسنگی ای بر اکثریت مردم کارگر و کم درآمد جامعه، سعی کرده اند بر کمبودها و ناتوانی های خود در تأمین نان برای مردم سرپوش بگذارند.

از اینرو عموم ما مردم وظیفه داریم از این شیوه جدید اعتراض نانوایان حمایت و پشتیبانی کنیم. باید با خواستهایی مانند حذف سهمیه بندی آرد و نان و تخصیص یارانه آرد و با شعارهای: "جنگ نمی خواهیم، نان می خواهیم" و "انرژی هسته ای نمی خواهیم، رفاه می خواهیم" در تجمعات اعتراضی نانوایان شرکت کنیم و تراکت های اعتراضی خود را در این رابطه در همه جا توزیع کنیم و بر دیوارها شعار نویسی کنیم.

به دنبال بی نتیجه ماندن اعتراضات گسترده نانوایان نسبت به پائین بودن قیمت نان، افزایش حق بیمه کارگران، کاهش سهمیه آرد و تأخیر در پرداخت طلب ها، نانوایان تصمیم گرفته اند دستگاه های کارتخوان را تحویل اتحادیه نانوایان دهند و پول نان را به طور مستقیم مانند گذشته از مشتریان دریافت کنند.

پشتاز این اقدام بجا و درست، نانوایان یزد هستند که هفته گذشته دستگاه های کارتخوان نانینو را تحویل اتحادیه داده و با سامانه نانینو قطع همکاری کرده اند. به دنبال اقدام به قطع همکاری نانوایان یزد با سامانه نانینو، جمعی از نانوایان ارومیه و تهران هم طی بیانیه هایی جداگانه اعلام کرده اند که کارتخوان های خود را تحویل اتحادیه خواهند داد و از آن پس پول نان فروخته شده به مشتریان را خود به طور مستقیم دریافت خواهند کرد.

نانوایان معترض در بیانیه هایشان بر مشکلات اساسی خود که دولت عامل آن است انگشت گذاشته و قطع همکاری خود با سامانه نانینو را از جمله راهکاری فوری برای کاستن از فشارهای اقتصادی و معیشتی تحمیل شده دانسته اند. طبق اظهارات نانوایان، پول نان فروخته شده که از طریق دستگاه های کارتخوان نانینو به حساب دولت واریز می شود، نه تنها به موقع به حساب نانوایان واریز نمی شود، بلکه از حساب آن ها کسر هم میشود. نانوایان ابراز داشته اند که عدم واریز پول نان فروخته شده به حساب نانوایان، علاوه بر تحمیل مشکلات معیشتی بر خانواده هایشان، امکان خرید آرد برای ادامه فعالیت و پخت نان برای شان ناممکن کرده است.

واضح است که نانوایان در چنین شرایطی توان ادامه فعالیت ندارند و ناچار هستند برای ادامه فعالیت، اولین گام خود را با قطع همکاری با سامانه نانینو بردارند. واقعیت این است که سامانه نانینو یکی از ابزارها و جنبه های فشار است که رژیم بر نانوایان تحمیل کرده است. حکومت با انتقال فشارهای ناشی از کمبودهایی که خود بانی آن ها است بر نانوایان از قبیل کاهش سهمیه آرد، افزایش میزان بیمه کارگران و عدم تخصیص یارانه نان، عملاً باعث تحمیل فشار اقتصادی بر نانوایان و بیکاری کارگران نانوائی ها شده است.

یکی از موارد مورد اعتراض نانوایان، قیمت پائین نان است که به گفته خودشان با قیمت های جاری توان تأمین هزینه های پخت نان و پرداخت دستمزد و حق بیمه کارگران را ندارند. و این یک واقعیت است که در حالیکه همه کالاها و خدمات به طور سرسام آور گران می شوند، نانوایان نمی توانند با قیمت ثابت مانده نان هزینه های پخت نان و هزینه های معیشتی خود را تأمین کنند. مورد دیگر کاهش چشمگیر سهمیه آرد است که زمان فعالیت روزانه نانوائی ها را تقریباً به نصف زمان معمول کاهش داده و همین باعث کاهش درآمد و افزایش فشار بر نانوائی ها در راستای تأمین هزینه ها و دستمزد کارگران شده است.

پاسخ تاکنونی حکومت به اعتراض نانوایان، سعی در گران کردن نان بوده که اتفاقاً خواست خودش است تا از این طریق بخشی از کسری های بودجه ای خود را جبران کند و درعین حال با انداختن تقصیر افزایش قیمت نان بر گردن نانوایان معترض، آن ها را سپر خود در برابر اعتراضات عموم مردم ناراضی از گرانی نان کند.

سران رژیم با وجود اعتراضات وسیع مردم نسبت به گرانی اقلام ضروری

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



ای درخشان از این همبستگی هاست. از سوی دیگر تشکلهای مختلف کارگری و اجتماعی همچون شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، ۱۴ نهاد فعال در دفاع از حقوق کودکان، کانون نویسندگان ایران، سندیکای

شرکت واحد، و بیش از ۱۳۰۰ نفر از روزنامه نگاران، سینماگران و فعالین و شهروندان ایرانی و افغانستانی با تاکید بر پایان دادن به برخورد غیر انسانی با افغانستانی ها در ایران انزجار خود را از این سیاست فاشیستی و سرکوبگرانه حکومت اعلام کرده اند. بویژه بخشی از این رد مرز شدگان کودکان هستند و نهادهای مدافع حقوق کودک و شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان نسبت به آن اعلام اعتراض کرده اند. در بخشی از بیانیه این شورا چنین آمده است. "ما به عنوان معلمان این سرزمین، بر این باوریم که هیچ خط مرزی، ملیتی یا کاغذ هویتی نباید مانع دسترسی کودکان به آموزش، امنیت و کرامت انسانی باشد.

ما از تمامی نهادهای مدنی، فرهنگی، آموزشی و حقوق بشری می خواهیم در برابر این روند خطرناک و ضدانسانی سکوت نکنند. دفاع از حقوق کودکان، دفاع از آینده انسانی است. بدینگونه است که مردم در برابر حکومت فاشیست و ضد انسانی جمهوری اسلامی صف اعتراض خود را متحد میکنند. کمک رسانی به شهروندان رد مرز شده افغانستانی و بیانیه های اعتراضی منتشر شده در همبستگی با شهروندان افغانستانی، نشانه دیگری از شکل گیری گروههای همیاری و همبستگی مبارزاتی مردم است از نوع گروههایی که در جنگ دوازده روزه جمهوری اسلامی و اسرائیل شاهدش بودیم. این نمونه ها را باید گسترش داد. فضای همبستگی با پناهندگان باید همچون سنگری علیه حکومت برپا شود. تبلیغات ناسیونالیستها و فاشیستهای اسلامی علیه پناهندگان را باید فعالانه خنثی کرد. و نشان داد که حمله به پناهندگان حمله ای به تمام مردم است. با سازماندهی گسترده صف اعتراض خود را برای رهایی از جهنم جمهوری اسلامی و به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی گسترده تر کنیم.

انسانیت در برابر فاشیسم اسلامی حاکم - شهلا دانشفر

حکومت اسلامی موجی از حمله و اخراج همراه با توحش افغانستانی ها را به جریان انداخته و هر روز هزاران کودک و مرد و زن و پیر و جوان را بدون هیچ امکاناتی در پشت مرزها رها می کند. یک فاشیسم تمام عیار علیه پناهندگان و مهاجران افغانستانی در جریان است.

در برابر این توحش، در موارد متعددی شاهد رفتار انسانی مردم با پناهندگان هستیم. از جمله در بلوچستان در روزهای اخیر مردم در ابتکاری زیبا با برپایی ایستگاههای جمع آوری در نزدیکی اردوگاه الغدیر، اقلامی چون نان، آب، میوه، سبزیجات، دارو و دیگر مایحتاج ضروری را به صورت داوطلبانه در اختیار مهاجران افغانستانی رد مرز شده قرار داده اند.

نظیر همین کمک رسانی ها را از جانب مردم در کرمان شاهد بودیم. نکته جالب در این کمک رسانی ها مقابله مردم با ممانعت های جمهوری اسلامی و رساندن مواد غذایی و آشامیدنی از روی دیوار اردوگاه گرفته، تا کندن چال زیر در ورودی اردوگاه، تا بستن راه بر اتوبوس های حکومتی حامل این پناهندگان است. اقدامی زیبا، تاریخی و انسانی که جلوه دیگری از زیبایی جنبش زن زندگی آزادی است.

جمهوری اسلامی در جنگش با اسرائیل ضربات سختی خورده است. بالاترین مقامات این حکومت به هلاکت رسیدند و به مراکز نظامی و هسته ای آن ضربات سنگینی وارد شد. صفوف حکومت در هم ریخته تر و حکومت در موقعیت بسیار ضعیف و در حلقه محاصره خشم و نفرت مردمی در سراشیبی سقوط قرار دارد. در چنین شرایطی است که حکومت تسلیم به آتش بس شد. بدنبال این شکست نظامی و سیاسی است که حکومت اسلامی با عنوان جاسوسی برای موساد، شروع به اخراج صدها هزار افغانستانی کرده و فضای تبلیغاتی فاشیستی علیه آنها را تشدید نموده است. در همین یک هفته چند صد هزار شهروند بی پناه افغانستانی وحشیانه دستگیر و اخراج شده اند. این اخراجها چنان غیر انسانی و بیرحمانه است که عمیقا خشم و نفرت مردم را برانگیخته است و موجی از همبستگی را همراه داشته است.

همبستگی اخیر مردم بلوچستان و کرمان با شهروندان رد مرز شده افغانستانی نمونه

بیانیه بیش از ۱۳۰۰ نفر از روزنامه نگاران: به رفتار غیر انسانی با افغانستانی ها پایان دهید!



و فریاد برایش نداریم.

ما امضاکنندگان این نامه از حکومت جمهوری اسلامی می خواهیم به برخورد غیر انسانی با افغانستانی ها در ایران فورا پایان دهد و از تمامی شهروندان می خواهیم نسبت به این ظلم آشکار ساکت نشینند و با روش های انسانی و اقناعی و حمایتی، این سکوت و بی تفاوتی را که به همدستی و «خواست عمومی و ملی» تعبیر می شود، بشکنند. ظلمی که این روزها بر افغانستانی ها و اقلیت های بی صدای دیگر روا داشته می شود، بیش از هر چیز نابودگر ارزش های مورد انکای ما یعنی انسان دوستی، عدالت خواهی و آزادی است. بیایید نسبت به عادی سازی این ظلم بی تفاوت نباشیم و رنج زندگی را بر انسانی هایی که ایران را وطن خود می دانند، افزون نکنیم.

موج افغانستانی ستیزی در ایران که در ماه های گذشته با سرعتی بیش از پیش رو به گسترش بود، در این روزها از سوی حکومت جمهوری اسلامی به بالاترین حد خود رسیده است. اخراج مهاجران که تا دیروز با توجهات غیر قابل اثبات «تغییر ترکیب جمعیتی»، «بالا بردن نرخ بیکاری و افزایش مشکلات اقتصادی در جامعه ای ایران»، «افزایش جرم و بزه» (و دلایل ستیزه جویانه ای دیگر انجام می گرفت حالا و پس از آغاز جنگ ۱۲ روزه، با اتهام تازه و بی سند «عناصر اصلی جاسوسی و شبکه ای نفوذ روبرو شده تا انتقام حمله ای جنایتکارانه ای اسرائیل را از بی صداترین و تحت ظلم ترین اقلیت مهاجر بگیرد. اتهامی که نه به چند نفر یا چند دسته و گروه از این جمعیت میلیونی، که به تمام افغانستانی ها نسبت داده می شود.

به خوبی می دانیم که «اخراج مهاجران غیر قانونی»، عبارتی بزرگ شده برای برخورد غیر انسانی با تمام مهاجران چه قانونی و چه غیر قانونی است. شیوه های وحشیانه و غیر انسانی دستگیری، انتقال و نگهداری در اردوگاه ها و سپس اخراج مهاجران که برخی از آنها از مدارک قانونی مهاجرت برخوردار هستند، رعب و بی پناهی عظیمی نه فقط در پناه آوردگان سالهای اخیر، که در دل افغانستانی ها و افغانستانی تبارهایی ایجاد کرده که در ایران به دنیا آمده اند و دهه هاست ساکن ایرانند و ایران را کشور خود می دانند. در این روزها شاهد خبرها و تصاویری از نحوه برخورد و تفتیش و اخراج این انسان ها از سوی حکومت هستیم که واکنشی جز شرم و خشم



تا خشونت را به سر حد نهایی خود برسانند. دو جوان در همدان در همین ایست و بازرسی ها کشته شدند.

اما شاهدیم در همین دو هفته گذشته که آتش بس برقرار بوده و سایه شوم بارش مرگ از آسمان و لرزش شدید زمین زیر پا و بلند شدن ستون عظیمی از دود و خاک از زندگی ما مردم رخت بر بست، دوباره مبارزات و همبستگی میان مردم مجددا در حال شکل گیری است.

زندانیان از طریق فیلم و پیام صوتی و مکتوب، صدایی در شرایط سخت و طاقت فرسای بعد از بمباران جنایتکارانه اوین، که جمهوری اسلامی بر آنها تحمیل کرده است به اعتراض برخاستند. زنان در روستایی در نزدیکی خاش، در سیستان به مقابله به لشکر کشی نیروهای انتظامی و امنیتی حکومت برخاستند و متاسفانه کشته و زخمی دادند، اما از اعتراض خود دست نکشیدند. تشیع جنازه دو جوان همدانی فرصتی بود که صحنه هایی از انقلاب زن زندگی آزادی جان بگیرد به وقتی که جمعیت (به خصوص زنان) یک صدا شعار دادند: "مرگ بر ستمگر" و همبستگی مردمی که خود سخت در مضیقه تامین معیشت هستند، در پی جابجایی گسترده افغانستانی‌هایی که به سمت مرز اتفاق افتاد، در حد خود بی نظیر بود.

از جمله در سیستان و کرمان مردم مواد غذایی و آشامیدنی فراهم کرده، و با وجود آنکه حکومت جنایتکار مانع رسیدن این کمکها به پناهندگان افغانستانی میشود، اما آنها از هر طریقی که میشد (از روی دیوار اردوگاه گرفته، تا کندن چال زیر در ورودی اردوگاه، تا بستن راه بر اتوبوس های حامل این پناهندگان) مواد غذایی و آشامیدنی را به آنها می‌رساندند. اینها همه گوشه های از مقاومت مردم است و نشاندهنده این است که جامعه مستاصل و تسلیم نشده است.

همانگونه که در بیانیه 10 تشکیل گفته شده: "قاطعانه اعلام می کنیم که دیگر سال شصت و هفت نیست که بتواند با تکیه بر شرایط بعد از جنگ و تحمیل خسارت های اسفبار، ما را عقب برانند و به سوداندوزی و چپاول ادامه دهند.

صفوف حکومت در هم ریخته است و در حلقه محاصره خواسته های پاسخ نگرفته ما مردم ناتوان است. ما انقلاب زن زندگی آزادی را پشت سر داریم. صف مان متحد است و امروز خود را محق تر و قویتر از هر زمان می دانیم و با برافراشتن بلندتر پرچم "زن زندگی آزادی" فریاد برمی آوریم:

دیگر نمی گذاریم زندگی ما در مسیر اهداف جنگ طلبانه و چپاول و غارت حاکم بیشتر به تباهی برود. دیگر نخواهیم گذاشت جان و مال ما را به یغما ببرند و چماق سرکوب بر سرمان بکوبند."

در این جنگ 12 روزه یک امر دیگر ثابت شد. ما بارها انسانی ترین راه حل برای تغییر شرایط در ایران و سرنگونی حکومت اسلامی انقلاب دانستیم. و کم نگفتن انقلاب یعنی خود خشونت! اما خشونت جنگ در نزد ایشان هیچ نبود جز "عوارض جنگ".

سه سال پیش در هنگامه نبرد میان مردم و حکومت اسلامی، در جریان انقلاب

جنگ، آتش بس و انقلابمان

یاشار سهندی

دو هفته از "آتش بس" میان اسرائیل و جمهوری اسلامی گذشت. بسیاری می گویند: این آتش بس شکننده است.

جمهوری اسلامی میگوید: "اینکه خامنه ای در زیر زمین است به معنی قطع جنگ و نه آتش بس و جنگ ادامه دارد! ما هنوز سلاحها و تاکتیکهای اصلی جنگی مان را رو نکردیم و خدا نیارد آرزو را!" رجز خوانی و گنده گویی به مانند خیلی چیزهای دیگر ضد بشری نزد تبهکاران حاکم بر ایران حد و مرز ندارد!

برخی خیلی شیک و مرتب و با مدرک معتبر دانشگاهی در زمینه امنیت و روابط بین الملل و غیره و ذالک، سخت نگران هستند که نکنند این آتش بس دوام آورد! اطمینان میدهند: "جنگ دوباره، اجتناب ناپذیر است؛ چون اسرائیل و امریکا به اهداف شان نرسیدند. چون "بی بی (تانیاهو) بر تعهداتش پایبند است!" در عین حال به مردم هشدار میدهند که "بی بی و اسرائیل کارشان کردند! و ما چقدر بگویم بقیه اش با مردم است که بریزند خیابان و کار را تمام کنند!" این یعنی: ای مردم اگر نیامدید خیابان، خلاق هر چه لایق!" و از سوی دیگر شاهزاده ایشان که معلوم نیست به پیشنهاد کدامیک از "اطرافیان بد" با یک بارکد (QR) در حال تدارک نیروی نظامی از ارتش و بچه های خوب سپاه و سربازان شریف (!) گمنام امام زمان است، که شاید تحت عنوان "لشکریان کوروش کبیر" یا "سپاه بزرگ ایران زمین"، به "دول خارجی" اطمینان دهند شما از آسمان بزنید و همه چیز را خاکستر کنید، نگران خلاء قدرت نباشید. ما نیاز به نیروی پیاده نظام شما نداریم، خودمان یک لشکر زنده، با پرچم کاوه آماده داریم! برای ایشان آتش بس جنگ 12 روزه بی معنی بود و ادامه آن بی معنی تر. ایشان منتظرند که جامعه بر اثر بمبارانهای پیاپی و ویرانی و پیامد آن شاید قحطی و شاید اینکه مردم به جان هم بیفتند و کل جامعه به استیصال بیفتد. یک همچین شرایطی مطلوب ترین حالت ممکن برای ایشان است؛ برای همین یک روز آتش هم بس نزد ایشان زیادی است.

جمهوری اسلامی که در جنگ 12 روزه همه هیاهوی موشکهای نقطه زن و بالستیک و پهپادهایش و سرداران سپاهش در عرض چند ساعت نیست و نابود شد. جمهوری اسلامی در جنگ 12 روزه به اسرائیل باخت و بد جور هم باخت، خامنه ای به بهانه سوگ حسین از سوراخ بیرون آمد که بگوید زنده است، وقتی هم که این تصمیم را گرفت، نشان داد مرده متحرکی بیش نیست. برای امنیتش کل اینترنت را قطع کردند تا مبادا کسی از طریق واتس آپ به جایی خبر دهند که خامنه ای در تاریکی شب از سوراخش بیرون آمده است!

برخی دیگر نیز از شکننده بودن آتش بس، سخت نگرانند. چرا که دوباره مرگ از آسمان شلیک میشود، و این آتشی است نه تنها بر جان و زندگی مردم، بلکه شلیکی است بر مبارزات مردم.

رژیم پوشالی اسلامی برای پوشاندن همه این شکستها و همه چیزهایی که باخت داده، همان گونه که انتظار میرفت به مردم حمله ور شد. زندانیان زندان اوین را در زیر بمبارانها جابجا کرد تا شاید هدف موشکهای اسرائیل قرار گیرند. همان نقشه شومی که برای پرواز اوکراینی اجرا کردند. کولبران و چندین نفر دیگر را با اتهام جاسوسی اعدام کردند.

سر به جان افغانستانیها که دست شان از همه جا کوتاه است گذاشته اند و آنها را در این گرمای تابستان در مرز رها میکنند. به کودک و بیمار زن و مرد، جوان و پیر رحم نمی کنند. و صحنه های کاملی از یک حکومت تبهکاری فاشیستی به نمایش گذاشتند. به روستایی در بلوچستان یورش بردند. ایست و بازرسی را سازمان دادند و

**درمانده از بازداشت مامورین موساد؛
حمله به شهروندان بهایی، یهودی
و مهاجرین افغانستانی**



همکاری با اسرائیل نیز علیه این قربانیان بی حقوق و ستمدیده اضافه شد تا انتقام شکست خفت بار خود در این جنگ از آسیب پذیرترین و بی دفاع ترین بخش جامعه گرفته شود. اکنون صحبت بر سر

اخراج ۴ میلیون انسان بی پناه در میان است! یک فاجعه انسانی تمام عیار توسط حکومت اسلامی دارد رقم می خورد. بازگرداندن میلیونها انسان پا درگریز به افغانستان تحت حاکمیت طالبان، مصداق بارز جنایت علیه بشریت است و باید با دخالت فوری بین المللی فوراً متوقف شود.

بیانیه‌ای با امضای بیش از ۱۳۰۰ نفر از فعالین، هنرمندان و نویسندگان در اعتراض به رفتار شرم آور و ضد بشری پناهنده ستیزی جمهوری اسلامی منتشر شد که روحیه اعتراضی جامعه و حس انسان دوستی و همبستگی انسانی در جامعه را به نمایش گذاشت. هشگها و بیانیه‌های محکومیت جمهوری اسلامی و انبوهی از همدردی و ابراز تنفر از رفتار شنیع جمهوری اسلامی نیز گواه روشنی بر حس انسان دوستی مردمی است که بارها فریاد زده اند: مرگ بر طالبان چه در کابل چه تهران. این اقدامات را باید ارج نهاد و آنها را هر چه بیشتر تکثیر کرد.

حزب کمونیست کارگری رفتار فاشیستی و نژادپرستانه جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم می کند و همه مردم شریف و آزادیخواه را به حمایت فعال از پناهندگان و مهاجرین افغانستانی فرامی خواند. این سیاست تفرقه افکنانه که بخشی از استراتژی بقای حکومت ننگین اسلامی است با قدرت مردمی که انقلاب زن زندگی آزادی را خلق کردند، باید تماماً شکست بخورد و خنثی شود. باید همه جا در مقابل برخوردهای غیرانسانی با افغانستانی ها ایستاد و به هر شکل ممکن از آنها حمایت کرد، در مدیای اجتماعی باید فضا را علیه فاشیسم ضد افغانستانی ها تنگ کرد. این بخشی از مبارزه برای متحد شدن و مقابله با حکومت سرکوبگر اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۳ جولای ۲۰۲۵، ۱۲ تیر ماه ۱۴۰۴

هیچ انسانی غیر قانونی نیست!

سیاست فاشیستی اخراج افغانستانی ها باید فوراً متوقف شود!

جمهوری اسلامی در پی شکست مفتضحانه نظامی و سیاسی، شروع به اخراج صدها هزار افغانستانی کرده و فضای تبلیغاتی فاشیستی علیه آنها را تشدید کرده است. به بهانه پایان مهلت برای خروج افغانستانی هایی که مدارک برای پناهندگی ندارند، شروع به دستگیری و حشیمان و اخراج بیرحمانه چند صد هزار پناهنده و مهاجر بی پناه افغانستانی کرده است. این در حالی است که بسیاری از آنها دارای برگه های معتبر و قانونی مهاجرتی و بسیاری از آنان شامل زنان، کودکان، سالمندان، بیماران، فعالین سیاسی و مدنی و نظامیان سابق گریخته از دست طالبان بوده اند. جمهوری اسلامی به شکل بیرحمانه ای آنها را با توهین و تحقیر در گرمای طاقت فرسای مرز، بدون امکانات اولیه زیستی اخراج کرده است. اخراج صدها هزار انسان چنان غیر انسانی و بیرحمانه در دستور حکومت فاشیست اسلامی قرار گرفته که اکثر آنها حتی قادر به دریافت دستمزد چندماهه کار خود و یا دریافت رهنی که بابت اجاره خانه پرداخت کرده اند نشوند.

سازمان بین المللی مهاجرت (IOM) اعلام کرده است که طی چند ماهه سال جدید، بیش از هفتصد هزار نفر فقط از مرز اسلام قلعه به افغانستان اخراج شده اند. بیش از ۸۰ هزار کودک که حدود هفت هزار تن از آنان بی سرپرست، بدون همراه و خانواده در مرزهای ناامن رها شده اند و تنها توان کمک و امداد رسانی اولیه به حدود ۱۱ درصد از مهاجرین وجود دارد. چند صد هزار انسان بدون سرپناه، مسکن و امکانات اولیه زندگی درمانده و بی پناه در مرز رها شده اند!

سیاست ضد پناهندگی به قدمت عمر پر نکبت جمهوری اسلامی است. اما از ماه های پایانی سال ۱۴۰۳ روند اتهام زنی، نفرت پراکنی و بدرفتاری، پاپوش دوزی و پرونده سازی، دروغ پراکنی و فضا سازی به کمک ارتش سایبری، با سناریوسازی های نخ نما مانند مشکلات اقتصادی و افزایش بیکاری و نبودن کار برای کارگران ایرانی، افزایش جرائم، بالا بودن نرخ زاد و ولد و خطر تغییر ترکیب جمعیتی به صورت بی سابقه ای افزایش یافته بود.

با شروع درگیری نظامی جمهوری اسلامی و اسرائیل، اتهام جاسوسی و نفوذ و

جنگ، آتش بس و انقلابمان...

از صفحه ۴

بمباران رها کرده بود. یک نفر از ایشان یک بار هم نگفت: "حال جامعه خوب نیست" بلکه برعکس بسیار کوشش میکردند ثابت کنند جمهوری اسلامی با موشک باران سرنگون میشود و فاشیستی به اسم نتانیاهو که متهم به جنایت جنگی است را فرشته نجات جلوه دادند و میدهند.

و همانگونه که در عنوان بیانیه فوق یادآور شدند: "آتش بس شد! اما جنگ ما مردم بر سر زندگی و معیشت آتش بس ندارد!" این ۱۲ روز جنگ نشان داد که انقلاب که همبستگی توده ای مردم و همیاری همگانی را ممکن میکند، انسانی ترین و شریف ترین اقدام سیاسی ممکن است. در این شرایط اتفاقاً حال جامعه بسیار خوب است. و همانگونه که در بیانیه فوق تاکید شده است: "عزم راسخ ما، ادامه انقلاب مان برای پایان دادن به همه بساط بربریت و ساختن دنیایی شاد و مرفه، بدور از تبعیض و نابرابری، تحقق عدالت و دادخواهی و ساختن جهانی آزاد و برابر به دست توانای ما مردم است."

زن زندگی آزادی، به وقتی که مردم اراده خود را در خیابان به نمایش گذاشته بودند و همبستگی انسانی میان مردم شکل گرفته بود، و من و توی در کار نبود و ما بود، یاری رساندن به همدیگر. در همچین حال و هوای از یک مجری برنامه طنز بگیر، تا گوینده خبر تا تحلیل گری که از خود و اشنگتن خبر دارد مرتب میگفتند: "حال جامعه خوب نیست!"

اما در طی ۱۲ روز که وقت و بی وقت بمباران ادامه داشت، و شاهد بودیم یک موشک درست وسط یک چهار راه فرود آمد، یا به زندان اوین حمله شد، یا مکانهایی مانند انبار نفت تهران یا پالایشگاه شهر ری تهران و پارس جنوبی مورد حمله قرار گرفت، این موارد بماند، شلیک به ساختمانهای مسکونی به قصد کشتن فرماندهان نظامی سپاه که موجب هراس و کشته شدن افراد غیر نظامی هم میگردد. و از سوی دیگر جمهوری اسلامی قادر نبود حتی یک آژیر خطر بکشد و مردم بی پناه را زیر

حکومت جنگ افروز نابود باید گردد!

درباره مصوبه جدید مجلس اسلامی؛ به حکومت درمانده و شکست خورده اجازه ندهیم از مردم انتقام بگیرد!



سیاسی و دیپلماتیک بدترین شکست‌ها را خورده و در زمینه اقتصادی زمین‌گیر شده است، حکومتی که نیروهای نیابتی‌اش تماما فلج شده، حجابش دود شده و به هوا رفته و در سطح بین‌المللی از همیشه منزوی‌تر و حقیرتر شده است، نه قادر به یک‌دست کردن صفوف خود می‌باشد و نه قادر است مردم را مرعوب کند. این تلاش‌ها حتی اگر در کوتاه مدت موثر واقع شود طولی نخواهد کشید که مردم عاصی از حکومت که جنگ‌افروزی حکومت نیز بر شدت خشم و اعتراضشان افزوده و در مقابل خود حکومتی شکننده و حقیر شده می‌بینند به میدان خواهند آمد و شکاف‌های درون حکومتی در ابعادی وسیع‌تر و خردکننده‌تر سر باز خواهند کرد.

طرح‌های سرکوبگرانه و قانون جنایتکارانه مجلس اسلامی را باید در هم شکست. باید آنچه رژیم بعنوان جرم تعریف کرده را آنقدر "مرتکب" شد که عملاً جرم‌شناسی‌های تازه نیز مانند بی‌حجابی عملاً بی‌معنی شود. باید اعتصابات و تجمعات اعتراضی را گسترش داد و از هر مبارزه عادلانه‌ای حمایت کرد، در مقابل هر اعدام و یا دستگیری باید ایستاد، باید با تمام قوا برای آزادی زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان هفته‌های اخیر تلاش کرد، باید در مقابل بازرسی‌ها اعتراض کرد، باید نهادها و شبکه‌های اعتراضی هر چه بیشتری ایجاد کرد. مردمی که خیزش‌های متعددی را پشت سر گذاشته و متحدتر، آگاه‌تر و متشکل‌تر و امیدوارتر از همیشه اوضاع را دنبال می‌کنند، می‌توانند تلاش‌های سرکوبگرانه جدید حکومت را نیز نقش بر آب کرده و حکومت را از هر نظر ناکام گذارند و خود را برای سرنگونی حکومت منحوس و بی‌آبروی اسلامی آماده کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۰ تیر ۱۴۰۴، ۱ ژوئیه ۲۰۲۵

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در مورد

مصوبه جدید مجلس اسلامی برای انتقام از مردم

جمهوری اسلامی در شرایطی که در عرصه نظامی، دیپلماتیک و سیاسی شدت ضربه خورده، رهبرش در انظار جهانی خوار و حقیر شده و حتی رجزخوانی‌هایش علیه اسرائیل و آمریکا مورد طنز همگان قرار گرفته است، سرکوب مردم را گسترش داده، شمشیر از رو بسته و به بهانه همکاری و جاسوسی برای اسرائیل کنترل مردم را تشدید کرده، قانون وضع می‌کند و دستگیر و اعدام می‌کند تا اقتدار فروپاشیده‌اش را به رخ مردم بکشد. چون می‌داند که دشمن واقعی‌اش همین مردم هستند.

در مصوبه ۹ ماده‌ای مجلس اسلامی تحت عنوان «طرح تشدید مجازات جاسوسان و همکاری‌کنندگان با اسرائیل «حتی» فعالیت‌سیاسی، فرهنگی، رسانه‌ای و تبلیغی و انتشار اخبار «نیز به بهانه» ایجاد رعب و وحشت عمومی، ایجاد تفرقه یا خدشه به امنیت ملی «مشمول مجازات حبس تعزیری و انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی و یا مجازات افساد فی الارض شده است. در واقع کلیه فعالیت‌های سیاسی و تبلیغی که قبلاً نیز در حکومت اسلامی جرم محسوب می‌شد اینبار در چهارچوب همکاری با اسرائیل طبقه‌بندی شده و مجازات‌های شدیدتری برای آنها در نظر گرفته شده است. بعبارتی این مصوبه با هدف سرکوب کامل آزادی بیان و فعالیت سیاسی تهیه شده است تا انتقام شکست‌هایش را از مردم بگیرد.

جمهوری اسلامی اهداف متفاوتی را از این قانون و فضای سرکوبگرانه‌ای که ایجاد کرده است دنبال می‌کند:

۱- جلو گزارشات مردم از حقایق مربوط به این جنگ، شکست‌هایی که جمهوری اسلامی خورده، بی‌روحیگی نیروهای سرکوب و غیره را بگیرد تا دست رسانه‌های حکومتی برای دادن تصویر پیروزی! در این جنگ باز باشد.

۲- حکومت که می‌داند این جنگ زمینه را بیش از پیش برای یورش مردم به دم و دستگاه حکومت فراهم کرده و طولی نخواهد کشید که مردم وسیعاً برای سرنگونی حکومت به میدان خواهند آمد، با این قوانین سرکوبگرانه تلاش می‌کند با ایجاد فضای ارباب مانع تحرک مردم شود.

۳- هدف دیگر حکومت از این مصوبه و فضایی که ایجاد کرده، ایجاد رعب و وحشت در میان خود حکومتیان، منتقدان درون حکومت، رسانه‌های باند‌های مختلف حکومت و نیروهای سرکوب و امنیتی رژیم است تا جرات نکنند در مقابل طرح‌ها و سیاست‌های رسمی حکومت انتقاد کنند. حکومت از فضای جنگی می‌خواهد استفاده کند که شکاف‌های مختلف در صفوف خود را کاهش دهد تا با یک‌دست کردن خود قدرت تقابل با مردم را داشته باشد.

اما این تلاش‌ها حکومت را نجات نخواهد داد. حکومتی که در عرصه نظامی،

۵۷ حقوق‌دان و وکیل: طرح تشدید مجازات جاسوسی باید کنار گذاشته شود

شهروندی نیست. این طرح باید کنار گذاشته شود.»

بر اساس این طرح جدید، همکاری هرگونه اقدام به نفع اسرائیل یا دولت «متخاصم»، «مصدق» افساد فی الارض (شناخته می‌شود. همچنین فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، تبلیغی یا رسانه‌ای که باعث «ترس یا تفرقه» (در جامعه شوند، یا «نشر اکاذیب» (در جامعه بشود، جرم محسوب خواهند شد. «افساد فی الارض» که می‌تواند منجر به صدور حکم اعدام برای شهروندان منجر شود.

شرکت در تجمعات در زمان جنگ نیز از جمله جرائمی است که در این طرح برای آن مجازات در نظر گرفته شده است.

۵۷ نفر از اساتید دانشگاه، وکلا و حقوق‌دانان کشور در بیانیه‌ای با انتقاد از طرح جدید مجلس شورای اسلامی برای تشدید مجازات «جاسوسی و همکاری با کشورهای متخاصم»، آن را فاجعه‌ای برای نظام قانونی و قضایی کشور توصیف کردند.

در بخشی از این بیانیه آمده است: «راه حل مشکلات فراوان کشور افزایش بازداشت‌های بی ضابطه، تشدید رویکردهای امنیتی و محدود کردن حقوق

زندانی سیاسی آزاد باید گردد



کارگران در هفته ای که گذشت تنظیم کننده کارگر کمونیست

دوشنبه ۱۵ تیر:

- حدود چهارصد نفر از کارگران کارخانه آلومینیوم اراک (ایرالکو) از دو هفته پیش در بخاطر قطع پرداخت پاداش افزایش تولید و سهمیه برنج کارکنان، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و نیز اخراج چند تن از همکارانشان در تجمع و اعتراض هستند. این کارگران در این روز نیز بنا بر قرار قبلی دست از کار کشیده و تجمع کردند. در این کارخانه حدود چهار هزار کارگر به کار اشتغال دارند و بخش های مختلف آن به پیمانکاران سپرده شده و فضای کارخانه بشدت اعتراضی و ملتهب است.

یکشنبه ۱۵ تیر:

- نانوایان در یزد، در اقدامی اعتراضی و هماهنگ، با کنار گذاشتن کارتخوان ها، سامانه ی تحمیلی "نانینو" را از کار خود حذف کردند. نانوایان، که زیر فشار افزایش هزینه ها، کمی درآمد، قطع برق و آب، ناسالم بودن آرد تحویلی و... قرار دارند به عملکرد سامانه ی مافیایی "نانینو" اعتراض دارند و حذف آنها یکی از مطالبات اعتراضات گسترده اخیر نانوایان بوده است.

بنا بر خبرها وزارت «جهاد کشاورزی»، چند سالی است از راه تحمیل سامانه ی «نانینو» به نانوایان و کارتی کردن فروش نان، به جیره بندی نان دست زده است. در نتیجه سامانه، خود به ابزاری برای فساد و رانت خواری مدیران دولتی تبدیل شده و از یک سو کار نانوایان را دشوار کرده و از سوی دیگر مردم را به ایستادن درازمدت در صف نان و گاه بی بهره شدن از نان روزانه ی خود دچار ساخته است.

- «انجمن یاری کودکان در معرض خطر» در اعتراض رد مرز کودکان افغانستان بیانه ای منتشر کرده است. این نهاد مدافع حقوق کودک در بیانه خود بر توقف فوری روند اخراج کودکان مهاجر و پایان دادن به نفرت پراکنی رسانه ای نسبت به افغانستانی های ساکن ایران تاکید کرده اند. تشکلهای و نهادهای کارگری و اجتماعی دیگر از جمله سندیکای شرکت واحد اخراج هزاران شهروند افغانستانی ساکن ایران و سیاست فاشیستی حکومت اسلامی در قبال آنها را محکوم کرده است. همچنین ۱۳۰۰ نفر از روزنامه نگاران، سینماگران و فعالین و شهروندان ایرانی و افغانستانی در نامه ای به جمهوری اسلامی خواسته اند «به برخورد غیر انسانی با افغانستانی ها در ایران فوراً پایان دهد و از تمامی شهروندان نیز خواسته اند نسبت به این ظلم آشکار ساکت نشینند و با روش های انسانی و اقناعی و حمایتی، این سکوت و بی تفاوتی را که به همدستی و «خواست عمومی و ملی» تعبیر می شود، بشکنند. با این طومار همراهی کنیم و با نهادهای وتشکلهایی که در این رابطه بیانه داده و اعتراض کرده اند همصدا شویم. با اتحاد مبارزتی سراسری این سیاست فاشیستی حکومت را در هم بشکنیم. این بیانه برای روزهای تلخ و ناگواری است که در آن با اشک و آه کودکانی روبه رو هستیم که امیدشان به تحصیل، امنیت و آینده ای روشن در سرزمینی دیگر، ناگهان فرو می ریزد. کودکانی که هراسان و نگران، همراه با خانواده های آوارشان، ناگزیر به بازگشت به سرزمینی می شوند که از آن گریخته بودند؛ جایی که نه امنیت دارند و نه امید، نه تعلقی به آن احساس می کنند و نه پناهی برای زیستن.

شنبه ۱۴ تیر:

- بنا بر خبرها در هفته اول جنگ ۱۲ روزه، کارگاه ها عموماً دورکار بودند. در این شرایط برخی از کارفرمایان بدون درخواست کارگران برای آنان مرخصی بدون حقوق رد کردند و کارگاه را راساً تعطیل کردند. تا مزدی به کارگران پرداخت نکنند. بدین

ترتیب خسارت مالی سنگینی بر کارگران در کارگاه های بسیاری از کشور وارد شد. اما کارگران خواستار حق و حقوق خود هستند.

- حدود ۸۰ کارگر فاز ۱۴ پارس جنوبی، تحت استخدام شرکت ای جی سی طی چهار ماه گذشته هیچ حقوقی دریافت نکرده و همچنان در انتظار پرداخت حقوق اسفند ۱۴۰۳ و ماه های فروردین، اردیبهشت و خرداد امسال هستند. حق عیدی سال ۱۴۰۳ این کارگران نیز هنوز پرداخت نشده است. این در حالی است که مدیریت همه آنها را به مرخصی اجباری فرستاده و جوابی هم به کارگران نمیدهد. وزیر فشار اعتراض کارگران مدیریت در این مدت تنها پنج میلیون تومانی به برخی از کارگران پرداخت کرده است. بیمه فروردین ماه کارگران نیز به تازگی و پس از تأخیر طولانی پرداخت شده و بیمه دو ماه گذشته آنان همچنان معلق است. با آغاز جنگ تحمیلی اخیر، این کارگران بیش از پیش بلا تکلیف شده و به آنان گفته شده که "پس از مشخص شدن وضعیت جنگ، تکلیف شما نیز مشخص خواهد شد." این شرایط، نگرانی ها درباره امنیت شغلی و معیشتی کارگران این پروژه مهم صنعتی را افزایش داده است.

جمعه ۱۳ تیر:

- چهارده گروه و تشکل از فعالان حوزه حقوق کودک طی بیانه ای حمایت خود را از امیر حسین میربهراری فعال دفاع از حقوق کودک که هم اکنون در زندان است اعلام داشتند. در بخشی از این بیانه چنین آمده است: "با نگرانی عمیق نسبت به بازداشت امیرحسین میربهراری، فعال پرتلاش و شناخته شده حقوق کودک، خواستار آزادی فوری او هستیم.

امیرحسین میربهراری، از بنیان گذاران جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، سال ها از عمر خود را وقف دفاع از حقوق کودک، به ویژه کودکان کار و محروم، کرده است. او با حضور داوطلبانه در مناطق کم برخوردار تهران، در کنار کودکانی قرار گرفته که از حق آموزش، امنیت و بازی محروم بوده اند. حضور مؤثر و انسانی او، نه تنها آموزش، بلکه امید و اعتماد را برای بسیاری از کودکان به همراه داشته است."

نهادهای امضا کننده این بیانه عبارتند از: انجمن پرند درخت کوچک، انجمن حمایت از حقوق کودکان، انجمن حمایت از کودکان کار، انجمن یاری کودکان در معرض خطر، جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، گروه تلاشگران یاری همدل، گروه فرهنگی اجتماعی کیانا، موسسه انسان دشواری وظیفه، موسسه بهشت اندیشه های کودکان، موسسه درخت کوچک زندگی، موسسه مهرماه، موسسه ندای ماندگار دروازه غار، موسسه نوید زندگی کوشا، موسسه یاریگران کودکان کار پویا امیر حسین میربهراری از اول تیرماه در زندان است. او باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

- جمهوری اسلامی به بهانه جنگ چماق جاسوسی بر روی سر مردم گرفته و بر سرکوبگریهایش شدت داده است. در همین راستا سیسل کولر و ژاک پاری دو معلم زندانی فرانسوی که بیش از سه سال است بار دیگر به ا جاسوسی در زندانند به "جاسوسی برای سازمان اطلاعات اسرائیل (موساد)"، "توطئه برای سرنگونی



در این کارخانه حدود چهار هزار کارگر به کار اشتغال دارند و بخش های مختلف آن به پیمانکاران سپرده شده و فضای کارخانه بشدت اعتراضی و ملتهب است. موضوع اصلی اعتراضی کارگران ایرالکو سطح نازل حقوقها و کاهش هر روزه ارزش آن با توجه به

گرانی های سرسام آور و دیگر مشکلات کاری شان است. از جمله این کارخانه یکی از آلوده ترین کارخانه های استان مرکزی است و به لحاظ ایمنی محیط کار استاندارد پایینی دارد و برای کارگران صدمات جانی بسیاری دارد. کارگران به همه این وضعیت اعتراض دارند.

سطح نازل حقوقها، گرانی فزاینده، نپرداختن به موقع دستمزدها، شرایط نا امن کار و یکه تازی مدیران و حراست و سرمایه داران موضوع اعتراضات هر روزه و مشترک بخشهای مختلف کارگران در ایران است و این وضعیت فضای بسیار ملتهبی را در اکثر محیط های کار ایجاد کرده است.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۲ تیر ۱۴۰۴، ۲ ژوئیه ۲۰۲۵

ادامه اعتراضات کارگران آلومینیوم اراک (ایرالکو)

امروز چهارشنبه دوازدهم تیر حدود چهارصد نفر از کارگران کارخانه آلومینیوم اراک (ایرالکو) در ادامه اعتراضاتشان به قطع پرداخت پاداش افزایش تولید و سهمیه برنج کارکنان، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و نیز اخراج چند تن از همکارانشان بار دیگر دست به اعتصاب و تجمع زدند. این اعتراضات از دو هفته پیش در داخل محوطه کارخانه شروع شده و از یک هفته پیش به خارج از گیت اصلی کارخانه کشیده شده است. در تجمع اعتراضی امروز مهندس صیف مدیر کارخانه بدون پاسخگویی به خواسته های کارگران با وعده اینکه بروید سر کارتون همه چیز درست میشود، از کارگران خواست که سر کارشان بروند. به علاوه مجیدی مدیر عامل شرکت که عضو سپاه است با لحنی تهدید آمیز به کارگران گفت کسانی که دستهایشان را بالا بردند و شعار دادند خودشان را به کمیته انضباطی معرفی کنند. اما کارگران محکم ایستاده و در جواب گفتند که ما خواهان استعفای تو هستیم و شما در موقعیتی نیستی که کسی را به کمیته انضباطی بفرستید. این تجمعات علیرغم حضور نیروی انتظامی زیادی در محل، برگزار شد و کارگران خواستار استعفای مدیر عامل شرکت و بازگشت به کار همکاران اخراجی خود به سر کارشان هستند.

کارگران در هفته ای که گذشت...

از صفحه ۷

اعتراضاتشان به قطع پرداخت پاداش افزایش تولید و سهمیه برنج کارکنان، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و نیز اخراج چند تن از همکارانشان بار دیگر دست به اعتصاب و تجمع زدند. این اعتراضات از دو هفته پیش در داخل محوطه کارخانه شروع شده و از یک هفته پیش به خارج از گیت اصلی کارخانه کشیده شده است. در این کارخانه حدود چهار هزار کارگر به کار اشتغال دارند و بخش های مختلف آن به پیمانکاران سپرده شده و فضای کارخانه بشدت اعتراضی و ملتهب است.

سه شنبه ۱۰ تیر:

- مدیریت شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در اقدامی عجیب و غیر قانونی برای در اختیار گذاشتن احکام افزایش مزد سالیانه که حق مسلم و قانونی هر کارگر میباشد اقدام به اخذ تعهد منع افشای اطلاعات محرمانه شرکت نموده است. در اعتراض به این اقدام قلدرمنشانه کارفرما، کارگران مینویسند: "هر کارگری حق دارد که در ابتدا هر سال حکم افزایش مزدی خود را دریافت نماید و این وظیفه کارفرماست که آنرا در اختیار کارگر بگذارد شاید هر کارگر بخواهد در بانک و یا دیگر مراجع ضمانت شخص دیگر را نماید مگر حکم کارگزینی از اسرار طبقه بندی شده محسوب میشود یا اسرار نظامی است که مدیریت بدینوسیله کارگر را تحقیر مینماید؟ آیا اینگونه تعهدنامه ها برای سرپوش گذاشتن به دزدیها و اختلاسهای مدیران شرکت نیست؟ آنها هستند که از ترس رسوا و برملا شدن دزدیها یشان واهمه دارند. در کدام قانون کار آمده است که یک کارگر باید برای دریافت احکام خود باید تعهدنامه امضا نماید."

دوشنبه ۹ تیر:

- ۹ روز از بازداشت حسین میر بهاری فعال دفاع از حقوق کودک گذشت و برادر او ضمن اشاره به بیخبری از وضعیت او مینویسد: "حسین شرایط جسمی خاصی داشت و رژیم غذایی اش باید رعایت می شد، اما اکنون از حالش کاملاً بی اطلاعیم. بی خبری، برای ما شکل دیگری از شکنجه است. نمی دانیم این رنج و فشار بر خانواده چه هدفی را دنبال می کند.... حسین از بنیان گذاران «جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان» است؛ نهادی که با تلاش فراوان و با وجود تمام محدودیتها، برای آموزش کودکان بی شناسنامه و بازمانده از تحصیل شکل گرفت.

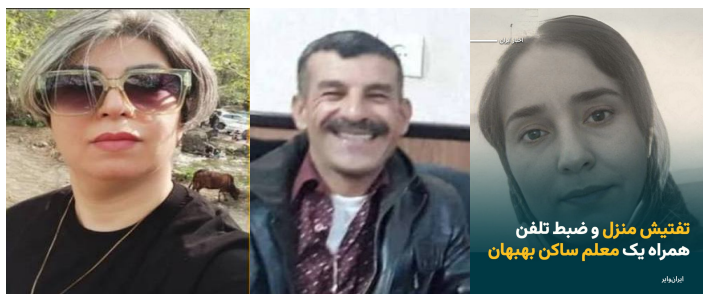
حکومت" و "فساد فی الارض" متهم شده اند. سیسیل کوهلر، معلم ۴۰ ساله فرانسوی و شریک زندگی اش، ژاک پاریس، مردی حدوداً ۷۰ ساله، در هفته اردیبهشت ۱۴۰۱ در جریان سفری برای گردشگری به ایران به اتهام "جاسوسی و تحریک به اعتصاب های کارگری" بازداشت شدند. همراه با دستگیری آنها رسول بدایقی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، و مسعود نیکخواه از معلمان و حسن سعیدی، رضا شهابی و واله زمانی از فعالین کارگری و آیشا اسداللهی و ریحانه جباری و کیوان مهتدی از فعالین اجتماعی به اتهام "همکاری در دسیسه جاسوسی" دستگیر شدند. حکومت دستگیر شدگان را برای اعتراف گیری اجباری ساعتها و روزها زیر بازجویی های فشرده و شکنجه و آزار قرار داد. اما در مقابل ایستادگی آنان در زندان و کارزار قدرتمندی که در حمایت از آنان بر پا شد و ابعادی جهانی پیدا کرد، حکومت راه به جایی نبرد و مجبور شد بازداشت شدگان را به تدریج از انفرادی بیرون آورد و شروع به آزاد کردن یک به یک آنها از زندان کرد. این آزاد کردنها اگر چه با قید وثیقه، به معنای شکست سناریو سازی رسوای حکومت است. اکنون تازه کردن پرونده ژاک پاری و سیسیل کولر جان این دو فعال معلم را به خطر می اندازد و باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

پنجشنبه ۱۲ تیر:

- بنا بر گزارشات از ۴۵ روز پیش کارگران خدماتی شاغل در شهرداری کرمانشاه حقوق دریافت نکرده اند و در شرایط معیشتی سختی قرار دارند. به گفته کارگران هر ماه بخش زیادی از حقوق دریافتی آنها هزینه اجاره خانه و پرداخت اقساط بانکی و سایر بدهی ها می شود و سطح نازل دستمزدها به هیچ وجه کفاف زندگی آنها را نمیکند و اکنون تاخیر در پرداخت آن و از سوی دیگر گرانی های کمر شکن مشکلات معیشتی آنان را صد چندان کرده است. این کارگران خواستار پرداخت فوری دستمزدهای معوقه خود هستند.

چهارشنبه ۱۱ تیر:

- حدود چهارصد نفر از کارگران کارخانه آلومینیوم اراک (ایرالکو) در ادامه



حضور کشیک خدمات ضروری را ارائه دهند. در حالیکه مردم از اولیه ترین تجهیزات سرمایشی در منازل و در محیطهای کار محرومند، آنهم با تداوم قطعی های برق در ساعاتی از روز زندگی و کار برای مردم شاق شده و این وضعیت یک موضوع مهم اعتراض مردم است.

- امروز سه شنبه دهم تیرماه کارزار سه شنبه های نه به اعدام هفتاد و پنجمین هفته خود را در ۴۷ زندان کشور از جمله در زندانهای بهبهان و شیبان و سپیدار (بند زنان و مردان) در اهواز در خوزستان پشت سر گذاشت. اعضای این کارزار در بیانیه هفتگی خود با اشاره به موج گسترده بازداشت در شهرهای مختلف به بهانه های واهی سیاسی و امنیتی و در خطر بودن جان زندانیان سیاسی محکوم به اعدام اعلام نگرانی جدی کرده و مینویسند " ما اعضای این کارزار، همراه با مردم ایران، خواستار لغو مجازات اعدام و آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی هستیم".

- مدیریت شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در اقدامی عجیب و غیر قانونی برای در اختیار گذاشتن احکام افزایش مزد سالیانه که حق مسلم و قانونی هر کارگر می باشد اقدام به اخذ تعهد منع افشای اطلاعات محرمانه شرکت نموده است. در اعتراض به این اقدام قلدنمنشانه کارفرما، کارگران مینویسند: " هر کارگری حق دارد که در ابتدا هر سال حکم افزایش مزدی خود را دریافت نماید و این وظیفه کارفرماست که آنرا در اختیار کارگر بگذارد شاید هر کارگر بخواهد در بانک و یا دیگر مراجع ضمانت شخص دیگر را نماید مگر حکم کارگزینی از اسرار طبقه بندی شده محسوب میشود یا اسرار نظامی است که مدیریت بدینوسیله کارگر را تحقیر مینماید؟ آیا اینگونه تعهدنامه ها برای سرپوش گذاشتن به دزدیها و اختلاسهای مدیران شرکت نیست؟ آنها هستند که از ترس رسوا و برملا شدن دزدیها نشان واهمه دارند. در کدام قانون کار آمده است که یک کارگر باید برای دریافت احکام خود باید تعهدنامه امضا نماید."

- بنا بر خبر ها هوای ۱۳ شهر خوزستان در این روز آلوده گزارش شد که از این تعداد هوای ۶ شهر در وضعیت خطرناک قرار گرفته است. آلودگی هوا در خوزستان در بخش بسیاری از سال موجب رکود کار و معیشت در این استان شده و ضربات سنگینی بر جان و زندگی مردم زده است.

دوشنبه ۹ تیر:

- از ابراهیم پارسامهر، وکیل دادگستری و ساکن قلعه تل از استان خوزستان، که چند روز قبل بازداشت شده علیرغم تلاشهای خانواده خبری در دست نیست. پارسامهر در سالهای گذشته وکالت شمار زیادی از فعالان مدنی، به ویژه معلمان و نوکیشان مسیحی، را در شهرهای ایذه، باغملک و قلعه تل بر عهده داشته است. او در سال ۱۴۰۲ زمانی که تصمیم داشت وکالت خانواده های محمود احمدی و حسین سعیدی (از کشته شدگان روستای پرسوراخ) را بپذیرد، با خشونت شدید از سوی نیروهای امنیتی مواجه شد و مورد ضرب و شتم قرار گرفت. پارسامهر همچنین به مدت کوتاهی وکالت زنده یاد مجاهد کورکور را نیز بر عهده داشت. ابراهیم پارسا

از خوزستان خبر میرسد؟

۶-۱۳ تیر ۱۴۰۴



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

جمعه ۱۳ تیر:

- گزارشی از ایذه از انباشت زباله و وضعیت فاجعه بار جدولها و آبروها در تقاطع ۳۶ متری حکایت دارد. منطقه ای که هر روز بوی تعفن و آلودگی در آنجا بیشتر شده و مردم بارها نسبت به آن اعتراض کرده اند. از سوی دیگر کابل های برق در کوچه های مختلف خطر آفرین است. این وضعیت اسفناک بسیاری از شهر ها و مردم است.

پنجشنبه ۱۲ تیر:

- لودگی شدید هوا در شهرهای مختلف خوزستان قربانی میگیرد. بنا بر گزارشات در این روز، ۱۲۰۰ نفر بر اثر آلودگی هوا راهی مراکز درمانی شدند! و از این تعداد بیماران قلبی و تنفسی کارشان به اورژانس کشیده شد. آلودگی هوا یک موضوع اعتراض مردم در خوزستان است و بارها با فریاد "هوا سالم حق مسلم ماست"، تجمع اعتراضی بر پا کرده اند.

چهارشنبه ۱۱ تیر:

- در خوزستان با یک بحران زیست محیطی روبرویم. این روز هوای هیچ شهری در خوزستان سالم و پاک گزارش نشده و بعکس گزارشات حاکی از وضع قرمز آلودگی هوا در شهرهای بسیاری بود و هشدار دهنده است. از جمله صبح این روز بر اساس اندازه گیری ذرات معلق به میزان ۲/۵ میکرون، وضعیت شهر حمیدیه با شاخص ۵۰۰ میکروگرم بر مترمکعب در وضعیت خطرناک قرار داشت. همچنین اهواز با شاخص ۱۶۲، ایذه ۱۵۲، باغملک ۱۸۶، دزپارت ۱۸۶ و هویزه ۱۶۷ در وضعیت قرمز و ناسالم قرار گرفتند. در این گزارشات وضعیت هوا در شهرهای بهبهان ۱۳۳، خرمشهر ۱۱۲، دزفول ۱۰۷، رامهرمز ۱۳۶، سوسنگرد ۱۴۲، لالی ۱۵۰، ملاتانی ۱۰۷ و هندبجان ۱۲۲ برای گروه های حساس ناسالم اعلام شد. حکومت اسلامی با سیاست های مخرب زیست محیطی خود زندگی را برای مردم بویژه در خوزستان غیر قابل تحمل و پر مخاطره کرده است. وجود صنایع آلاینده در خوزستان از جمله نفت، گاز، پتروشیمی، فولاد، نیشکر بدون در نظر گرفتن استانداردهای علمی برای جلوگیری از مسمومیت هوا و آلودگی محیط زیست جان مردم را به خطر انداخته و موجب شده تا میزان آلاینده در نقاط شهری و روستایی خوزستان بالا باشد و مشکلات بهداشتی و زیست محیطی زیادی برای ساکنان ایجاد کرده است. این وضعیت تأکیدی دیگر بر اعتراضی متحدانه و گسترده برای نجات جان انسانها و این بار بخاطر هوای مسموم هوا است.

سه شنبه ۱۰ تیر:

- گرما و بی تامینی، ادارات خوزستان را تعطیل کرد. استانداری خوزستان اعلام کرد که با توجه به پیش بینی تداوم هوای گرم و ثبت دماهایی تا مرز ۵۰ درجه سانتی گراد در بسیاری از مناطق استان و احتمال ورود کردوغبار با غلظت نسبتاً بالا، چهارشنبه فعالیت کلیه ادارات دولتی در سطح استان به صورت دورکاری انجام شود و بانکها با



کارگران مدیریت ملزم به پرداخت فوری طلبهای کارگران شده است.

بنا بر گزارشات حدوداً ۳۵۰ کارگر در کارخانه لاستیک‌سازی گتوند مشغول کارند. این کارگران همزمان با کاهش تولید کارخانه که از چند ماه پیش اتفاق افتاده حقوق خود را با تاخیر می‌گیرند و آن‌ها در زمینه معیشت، درمان و مسکن ایجاد کرده است. این کارخانه در ۱۸ جاده شوشتر به دزفول در شهرستان گتوند واقع شده است.

شنبه ۷ تیر:

- اعتراض کارگران کارخانه لاستیک‌سازی خوزستان نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی
روز شنبه ۷ تیر، کارگران کارخانه لاستیک‌سازی خوزستان نسبت به تعطیلی این واحد تولیدی واقع در محدوده شهرستان گتوند در استان خوزستان و عدم پرداخت ۲ ماه حقوق اعتراض خود را رسانه‌ای کردند. زیر فشار اعتراضی کارگران نشستی در فرمانداری گتوند برگزار شد و مقرر شد حسابرسی ویژه قضایی برای این شرکت انجام شود. کارگران خواستار پرداخت فوری طلبهایشان هستند.

- به دلیل گرمای شدید هوا ساعات کار کلیه دستگاه‌ها، سازمان‌ها و ادارات اجرایی استان خوزستان در استان خوزستان از روز شنبه ۷ تیر ساعات کاری بین ساعت ۶ صبح تا ۱۲ ظهر اعلام شد. بر اساس این ابلاغیه طرح دورکاری ۵۰ درصدی کارکنان لغو و حضور کامل در محل کار الزامی خواهد بود. این درحالی است که محیط‌های کار فاقد هر گونه وسایل سرمایشی است.

جمعه ۶ تیر:

- «فرشته تابانیان»، وکیل عباس دریس در شبکه ایکس خود از تایید حکم ۱۰ سال حبس موکلش به اتهام قتل عمد در پرونده مربوط به اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در ماه شهر خبر داد. تابانیان تاکید کرد که دادنامه مربوط به فرجام‌خواهی به او به عنوان وکیل عباس دریس ابلاغ نشده است. او همچنین افزود که در خصوص اتهام محاربه، درخواست اعاده دادرسی از سوی تیم حقوقی عباس دریس ارائه شده و روند بررسی آن در جریان است.

عباس دریس، از بازداشت‌شدگان خیزش مردمی در آبان ۹۸ در ماه شهر و تنها شاهد جنایات حکومت در به رگبار بستن معترضین و قتل آنان در نيزارهای این شهر به اتهام «محاربه» و «قتل عمد» در زندان است. عباس دریس پیشتر به اعدام محکوم شده بود و این حکم به دنبال کارزاری جهانی به ده سال حبس تغییر یافت. عباس دریس باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

- طبق گزارشات در این روز سامانه‌های پدافند هوایی تیپ ۹۲ زرهی در شهر اهواز برای دومین بار اقدام به تیراندازی کردند. بنا بر خبر تا این روز دست‌کم سه انفجار در مناطق مختلف این شهر شنیده شده که همزمان با فعالیت‌های پدافندی رخ داده‌اند. شدت این انفجارها به حدی بوده که در برخی مناطق باعث قطع موقت برق شده است. این فضای جنگی امنیت شدیداً مردم را نگران کرده و امنیت مردم را به خطر انداخته است.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۳ تیر ۱۴۰۴ / ۵ ژوئیه ۲۰۲۵

از صفحه ۹

از خوزستان خبر میرسد:...

مهر باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

- کوکب بداعی معلم معترض در ایذه برای پانزدهم تیرماه جهت بازجویی و محاکمه به دادگاه احضار شد. در این احضاریه لیستی از اتهامات برای این معلم معترض ردیف شده است که عبارتند از: نشر اکاذیب، تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی، عضویت در دسته یا جمعیتی یا جمعیت‌هایی که در داخل کشور تشکیل شده است و اغوا یا تحریک مردم به جنگ و کشتار با یکدیگر به قصد برهم زدن امنیت کشور و اجتماع و تباہی برای ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی و خارجی.

کوکب بداعی به این احضاریه جوابی محکم داده و مینویسد: «ای صاحبان قدرت و منصب، آیا چون من لب به سخن گشودم، ملک‌تان بلرزه افتاد؟ ... شما ما را متهم می‌کنید؟ به چه؟ به اینکه فریاد شدیم وقتی همه نجوا بودند؟ اگر حقیقت گفتن، جرم است، اگر مردم را آگاه کردن و کنار آنها بودن، فتنه است، اگر افشای دروغ، تبلیغ علیه نظام است، پس آری! ما مجرمیم. ما وارثان خون‌هایی هستیم که روزی فریاد زدند «آزادی» و امروز، همان واژه، در گلوئی ما خفه می‌شود... من متهمم؟ بله، متهم به ایستادن! به نگفتن دروغ! به نفروختن شرافت در بازار مصلحت! من متهمم به دفاع از مردمی که صدا ندارند، نان ندارند، و حق فریاد هم از آنان گرفته شده. و... حاضرم، اما نه برای دفاع از خود؛ برای افشای آنچه پنهان کرده‌اید. اگر قرار است محاکمه‌ای در کار باشد، بگذارید حقیقت بر مسند قضاوت بنشیند. و اگر سزای بیدار کردن مردم، زنجیر است، پس این افتخار از آن من».

پاسخ محکم کوکب بداعی نماد بارزی از فضای جامعه ایست که ایستاده است و رهایی را فریاد می‌زند. درود به کوکب بداعی و صلابت و ایستادگی او در برابر ستم و سرکوب.

فشارهای امنیتی بر روی معلمان و دستگیری و احضار ادامه دارد. در شامگاه سی ام خرداد ماه نیز منزل فروغ خسروی، معلم پایه ابتدایی ساکن بهبهان، توسط شش تن از ماموران اطلاعات سپاه - از جمله دو مامور زن - بدون ارائه حکم قضایی مورد بازرسی قرار گرفت. این تفتیش با خشونت و ایجاد فضای رعب و وحشت همراه بود و در جریان آن تلفن همراه و بخشی از وسایل شخصی فروغ خسروی ضبط شد. بنا بر گزارشات در زمان تفتیش، دختر این معلم در خانه حضور داشت و این اقدام موجب ترس شدید و آسیب روحی به وی شده است. گفته میشود که چند روز پیش از تفتیش، فروغ خسروی در یک گروه تلگرامی فرهنگیان درباره جنگ اظهار نظر کرده بود و پس از این بحث، تماس‌های تهدیدآمیز و فحاشی از شماره‌های ناشناس با او گرفته شد و در برخی تماس‌ها او را تهدید به بازداشت کرده بودند. فروغ خسروی شکایتی را علیه این نهاد امنیتی ثبت کرده است.

یکشنبه ۸ تیر:

- خوزستان سرزمین رودهای خروشان و تالاب‌های زنده، اکنون زیر آفتاب سوزان ۱۴۰۴، بسختی نفس می‌کشد. تالاب هورالعظیم و شادگان، قلب‌های تپنده این منطقه، با کمتر از نیمی از حق‌آبه، در حال مرگند. در نتیجه زمین‌های کشاورزان به خاطر بی‌آبی به نابودی کشیده شده و حتی کشت برخی محصولات برای آنان ممنوع است. اعتراض برای حق‌آبه و داشتن آب سالم یک موضوع مهم اعتراض کشاورزان و همه مردم است. از جمه ما در این استان شاهد خیزش مردمی بر سر آب بوده ایم و امروز مردم در این استان و در کل جامعه بخاطر معیشت و زندگی شان به نقطه انفجار رسیده‌اند.

- کارگران کارخانه لاستیک‌سازی گتوند (لاستیک خوزستان) دو ماه مزد خود را دریافت نکرده‌اند و این مشکلی دیرین برای این کارگران است. خواست کارگران پرداخت فوری و به موقع دستمزدها و دیگر مطالباتشان است. زیر فشار اعتراض

تداوم «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»، موج دستگیریه‌ها و احضارها

موج دستگیریه‌ها و احضار فعالین معلم و کارگری و اجتماعی ادامه دارد. در پاسخ به این سرکوبگریها و آنچه در زندان اوین گذشت موجی از اعتراض به راه افتاده که بازتاب آنرا در بیانیه‌های اعتراضی از میان بخش‌های مختلف



جامعه و زندانیان سیاسی و شعار نویسی‌های اعتراضی بر روی دیوارها و درواکش به احضارها و دستگیریه‌ها و نیز در کارزارهای متعددی که برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه اعدامها به راه افتاده میشود دید. یک نمونه آن احضار کوکب بداعی معلم معترض در ایزد برای پانزدهم تیرماه جهت بازجویی و محاکمه به دادگاه است. در این احضاریه لیستی از اتهامات برای این معلم معترض ردیف شده است که عبارتند از: نشر اکاذیب، تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی، عضویت در دسته یا جمعیتی یا جمعیت‌هایی که در داخل کشور تشکیل شده است و اغوا یا تحریک مردم به جنگ و کشتار با یکدیگر به قصد برهم زدن امنیت کشور و اجتماع و تباہی برای ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی و خارجی.

کوکب بداعی به این احضاریه جوابی محکم داده و مینویسد: "ای صاحبان قدرت و منصب، آیا چون من لب به سخن گشودم، ملک‌تان بلرزه افتاد؟ ... شما ما را متهم می‌کنید؟ به چه؟ به اینکه فریاد شدیم وقتی همه نجوا بودند؟ اگر حقیقت گفتن، جرم است، اگر مردم را آگاه کردن و کنار آنها بودن، فتنه است، اگر افشای دروغ، تبلیغ علیه نظام است، پس آری! ما مجرمیم. ما وارثان خون‌هایی هستیم که روزی فریاد زدند «آزادی» (و امروز، همان واژه، در گلوئی ما خفه می‌شود... من متهمم؟ بله، متهم به ایستادن! به نگفتن دروغ! به نفروختن شرافت در بازار مصلحت! من متهمم به دفاع از مردمی که صدا ندارند، نان ندارند، و حتی فریاد هم از آنان گرفته شده. و ... حاضریم، اما نه برای دفاع از خود؛ برای افشای آنچه پنهان کرده‌اید. اگر قرار است محاکمه‌ای در کار باشد، بگذارید حقیقت بر مسند قضاوت بنشیند. و اگر سزای بیدار کردن مردم، زنجیر است، پس این افتخار از آن من."

پاسخ محکم کوکب بداعی نماد بارزی از فضای جامعه ایست که ایستاده است و رهایی را فریاد می‌زند. درود به کوکب بداعی و صلابت و ایستادگی او در برابر ستم و سرکوب.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۳ تیر ۱۴۰۴، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵

امروز سه‌شنبه دهم تیرماه کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام هفتاد و پنجمین هفته خود را در ۴۷ زندان کشور پشت سر گذاشت. اعضای این کارزار در سر سخن بیانیه خود نسبت به افزایش سرکوب و گسترش اعدامها اعلام انزجار کرده و مینویسند "حکومت فاسد و سرکوبگر، برای مقابله با خیزش‌ها و اعتراضات مردمی، به اعدام‌های خودسرانه و سرکوب سیستماتیک ادامه می‌دهد. تنها در چهار روز نخست تیرماه، دست‌کم ۱۷ زندانی - از جمله یک زن - اعدام شده‌اند. از ابتدای سال ۱۴۰۴ نیز دست‌کم ۴۲۴ تن به دار آویخته شده‌اند. در هفته گذشته، ۱۸ زندانی اعدام شدند؛ آماری هولناک که در سال‌های اخیر بی‌سابقه است."

اعضای این کارزار مصوبه اخیر مجلس اسلامی در جهت افزایش سرکوب و تشدید اعدامها، به‌ویژه علیه مخالفان و زندانیان سیاسی، در کنار روند افزایشی اجرای احکام اعدام را نشان از جامعه‌ای انفجاری و وجود حکومتی سرکوبگر دانسته که برای حفظ بقای خود، «حق حیات» شهروندان را قربانی می‌کند.

اعضای این کارزار همچنین با اشاره به موج گسترده بازداشت در شهرهای مختلف به بهانه‌های واهی سیاسی و امنیتی و در خطر بودن جان زندانیان سیاسی محکوم به اعدام اعلام نگرانی جدی کرده و مینویسند "ما اعضای این کارزار، همراه با مردم ایران، خواستار لغو مجازات اعدام و آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی هستیم."

این کارزار از جامعه جهانی، نهادهای حقوق بشری و وجدان‌های بیدار خواستار شده که صدای زندانیان محکوم به اعدام باشند و با تاکید بر اینکه این حکومت نه تنها در دوران جنگ و بمباران امنیت زندانیان را تأمین نکرد، بلکه اکنون پس از پایان بحران، در پی انتقام‌گیری از مردم و زندانیان است. کارزار از خانواده‌های زندانیان، به‌ویژه کسانی که در این روزها عزیزانشان بازداشت شده‌اند، می‌خواهد که سکوت نکرده و با انتشار اسامی آنان خواهان آزادی بی‌قید و شرطشان باشند.

اعضای کارزار در انتها با اشاره به تعطیلی زندان اوین و انتقال زندانیان آن به تهران بزرگ و قرچک اعلام می‌کند که از این پس قرچک بعنوان جایگزین زندان اوین در فهرست زندان‌های اعتصابی کارزار قرار می‌گیرد. زنده باد کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از این کارزار حمایت می‌کند. در این روز همچنین خانواده زندانی سیاسی وحید بنی عامریان با در دست داشتن بنر نه به اعدام خواستار آزادی فوری زندانیان سیاسی شده و بار دیگر حمایت خود را از کارزار #نه_به_اعدام اعلام کردند و خواهان لغو احکام اعدام شدند.

FREE THEM NOW
#StopExecutionsInIran

VERISHE MORADI SHARIFEH MOHAMMADI PAKHSAN AZIZI

WOMAN LIFE FREEDOM
CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN
ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

FREE THEM NOW
ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

WOMAN LIFE FREEDOM
CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

بیانیه سه زندانی زن از زندان قرچک

گلرخ ایرانی، ریحانه انصاری، وریشه مرادی، زندان قرچک ورامین، تیر ۱۴۰۴



سال‌ها زندگی مشقت‌بار، بسیاری‌شان بدون ریالی واریزی، برای پول سیگار روزانه خود را در اختیار هم‌بندیان قرار می‌دهند. برای بهره‌کشی. برای بهره‌کشی جنسی. و تن به هر حقارتی می‌دهند. برای سیر کردن شکم‌شان. و برای برخورداری از حداقل آن‌چه بر دل‌هاشان حسرت شده است. در بخش کارگری زندان مشغول به کار می‌شوند و در ازای ساعت‌ها کار سخت روزانه (از هل دادن گاری حمل غذا و زباله تا نظافت اتاق استراحت و کار زندان‌بانان) بدون دریافت مزد فقط از دقایقی زمان بیشتر برای تماس تلفنی برخوردار می‌شوند. در کارگاه زندان به بیگاری مشغول و به دوخت و دوز می‌پردازند تا از پاکتی سیگار در انتهای روز برخوردار شوند. زنانی که عموماً مانع از هم‌زیستی ما زندانیان سیاسی با آنان می‌شوند؛ مگر به قصد تشبیه و تبعیدمان به حکم قضایی. و حالا اگرچه در زندان قرچک و جدا از آنان اسکان داده شده‌ایم، اما مصائب‌مان جدا از آنان نیست.

ما در کنار مبارزات خستگی‌ناپذیر مردم علیه دیکتاتوری، با اهدافی روشن و خط‌مشی محکم، مسیر مبارزه را تا سرنگونی و برچیدن هر شکلی از خودکامگی ادامه خواهیم داد. و در کنار این فراموش‌شدگان که از چرخه زندگی بیرون گذاشته شدند، با عزمی راسخ‌تر از پیش مقاومت را دوره می‌کنیم. و به آنانی که صدای‌شان برای ما و شرایط نامساعدمان بلند است، با صدایی رساتر می‌گوییم آن‌چه امروز بر ما تحمیل شد، فراتر از رنج سالیان این زنان نیست. پس برای بهبود شرایط «ما» بدون در نظر گرفتن جرائم‌مان و برای بهبود شرایط «ما» که به زندان قرچک و تهران بزرگ منتقل شده‌ایم، بدون در نظر گرفتن جنسیت‌مان تلاش کنید و بدانید آنان که در زیر آوار ناشی از حمله مفقود و آنانی که در چرخه بی‌رحم زندگی مترود شده‌اند، بر ما ارجح‌اند. باشد که حلقه‌ای باشیم در زنجیر مبارزات برابری طلبانه و آزادی‌خواهانه مردم ایران که بیش از یک قرن استبداد و استعمار را تاب آورده‌اند و به پیش می‌روند.

گلرخ ایرانی، ریحانه انصاری، وریشه مرادی - #زندان_قرچک_ورامین

گلرخ ایرانی، ریحانه انصاری و وریشه مرادی سه تن از زنان زندانی که بعد از بمباران زندان اوین توسط اسرائیل به زندان قرچک ورامین فرستاده شده‌اند، در نامه‌ای از وضعیت هولناک زنان زندانی در این زندان خبر داده و تاکید کرده‌اند: ما در کنار مبارزات خستگی‌ناپذیر مردم علیه دیکتاتوری، با اهدافی روشن و خط‌مشی محکم، مسیر مبارزه را تا سرنگونی و برچیدن هر شکلی از خودکامگی ادامه خواهیم داد. و در کنار این فراموش‌شدگان که از چرخه زندگی بیرون گذاشته شدند، با عزمی راسخ‌تر از پیش مقاومت را دوره می‌کنیم.

رنج امروز خود را فراتر از آن‌چه بر مردم ایران تحمیل شد نمی‌دانیم. روز دوشنبه دوم تیر درحالی‌که بیش از سه هزار نفر در زندان اوین در بندهای مختلف پشت درهای بسته محبوس بودند، راکت‌های اسرائیل در محوطه زندان و بر ساختمان‌های اوین فرود آمدند. علاوه بر کشته‌شدگان از تعدادی از بازداشت‌شدگان که در سلول‌های انفرادی محبوس بودند نیز تاکنون خبری در دست نیست.

ما زنان اوین صبح سه‌شنبه با اعمال محدودیت‌های شدید امنیتی به زندان قرچک ورامین منتقل و حدود سه هزار نفر مردان اوین نیز به زندان تهران بزرگ منتقل شدند. اگرچه نسبت به پیش از انتقال در شرایط نامساعدتری قرار گرفته‌ایم، اما هم‌سو با رفقا و برادران‌مان در زندان تهران بزرگ که هم‌زمان با ما مورد حمله و اعمال فشار قرار گرفته‌اند، اعلام می‌کنیم شرایط فعلی خللی در مبارزات‌مان ایجاد نخواهد کرد. چرا که می‌دانیم «این مسیری نیست که در آن بی‌مکافات به مقصد رسید.»

از زمان انقلاب مشروطه تاکنون، با بروز جنگ‌های متعدد، کودتای ضد‌مردمی، کشتار مردم بی‌دفاع و مخالفان سیاسی که به‌دست حکومت‌های استبدادی در یک قرن گذشته انجام شده و بسیاری فراز و فرودها که تاریخ بر آن گواه است، مسیر مبارزه همچنان ادامه دارد.

ما امروز در زندان قرچک هستیم و در شرایطی قرار گرفته‌ایم که بیش از هزار زن با جرائم مختلف سال‌ها با آن مواجه و آن را زندگی کرده و می‌کنند. زنانی از اعماق با رنج‌هایی که در نهم‌خانه‌ی چشمان‌شان نقش بسته است و گویای پرسه‌های بیدادی است که برای درهم‌شکستن‌شان پا به مسیر امروز گذاشته‌ایم. پرت‌شدگانی در انتهای دنیا که در هیچ یک از معادلات زندگی و مناسبات خبری و موج‌های رسانه‌ای جایی ندارند و در گزارش‌های حقوق‌بشری، نامی و نشانی و ردی از رنج‌های‌شان دیده و شنیده نمی‌شود. آن‌چه در این چند روز ما را مأیوس کرده است. حقیقت زندگی این زنان است. زنانی خمیده در تخت‌های کوتاه به ابعاد قبر، با حسرت برخورداری از حداقل امکانات زیستی و بهداشتی. در میان دیوارهای چرکین و کبره‌بسته از کثافت

ابراهیم مددی آزاد شد



روز چهارشنبه ۱۱ تیرماه ابراهیم مددی، عضو هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه پس از گذراندن یک سال دوره

محکومیت از زندان آزاد شد. جرم ابراهیم مددی که بارها به زندان افتاده است دفاع از حقوق کارگران و تلاش برای مشکل کردن آنها بوده است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی صمیمانه آزادی ابراهیم مددی را به او و خانواده و کارگران شرکت واحد تبریک می‌گوید. با قدرت مبارزاتمان در زندانها را باز می‌کنیم. تمامی زندانیان سیاسی را آزاد می‌کنیم و بر اعدام و سرکوب پایان می‌دهیم. زن زندگی آزادی

کمپین برای آزادی کارگران زندانی - ۱۲ تیر ۱۴۰۴، ۶ ژوئیه ۲۰۲۴

FREE THEM NOW
ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

SEDIGH MOHAMMADI MASRIN JAVADI BANOLEH RAHESHPOUR MORAD ZORRABI NAHID KHOSROU SHARIFEH MOHAMMADI HOSEIN MIRZAGHI
ISA EBRAHIMZADEH MEHRAN RAFOU REHANEH ANSARI NEZHAD MIZANAM KAMRABA MORTEZA SEYDI ESMAL GERANI DIVOUD RAZAVI ABBAS DEHS

WOMAN LIFE FREEDOM
CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN



تأیید خبر کشته شدن دو آفروندسوار
در همدان با شلیک مأموران

مردم آزاده همدان اعلام می‌کند و حکومت آدمکش اسلامی را قاطعانه محکوم می‌کند. جنایت رژیم باید با موجی از اعتراض جامعه مواجه شود. حزب کمونیست کارگری فعالین و تشکل‌های مردمی و همه مردم آزاده را فرامی‌خواند که به هر شکل که می‌توانند علیه این جنایت دست به اعتراض بزنند و خواهان معرفی و محاکمه آمران و عاملان این جنایت و برچیدن ایستگاه‌های بازرسی در سراسر کشور شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ تیرماه ۱۴۰۴، ۳ جولای ۲۰۲۵

جنایت رژیم در همدان به صحنه اعتراض قدرتمند مردم تبدیل شد

مراسم خاکسپاری محمدمهدی عبایی و علیرضا کرباسی، دو جوان آفروندسوار که به ضرب گلوله اوباش حکومت در همدان کشته شدند، به صحنه اعتراض توده‌ای مردم همدان علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد.

روز سه‌شنبه ۱۰ تیرماه مزدوران بسیج به یک خودرو که سه جوان در آن بودند شلیک می‌کنند که محمدمهدی عبایی و علیرضا کرباسی جانشان را از دست می‌دهند و نفر سوم که به سختی مجروح شده به بیمارستانی در همدان منتقل می‌شود.

زنان و مردان زیادی در مراسم خاکسپاری مهدی عبایی و علیرضا کرباسی حاضر شده و مراسم را به صحنه اعتراض قدرتمند خود تبدیل می‌کنند و با شعارهای «مرگ بر ستمگر»، «دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گن آمریکاست» و «می‌کشم، می‌کشم آن‌که برادرم کشت» «خشم و نفرت خود را نثار جمهوری اسلامی و مزدوران بسیج می‌کنند. یک شعار مهم دیگر مردم «محاکمه نه اعدام حق مسلم ماست» بود که نشان‌دهنده شناخت مردم از ظرفیت‌های جنایتکارانه حکومت برای اعدام احتمالی عاملان این تیراندازی است.

حزب کمونیست کارگری همدردی عمیق خود را با خانواده‌های این سه جوان و

دوهفته جنگی بر ما چه گذشت!

شرایط جنگ فشار کاری مضاعفی را برای ما پرستاران و کادر درمان ایجاد کرد. با شروع جنگ ۱۲ روزه و بمباران شهرها ما پرستاران و کادر درمان در بیمارستانها و مراکز درمانی بار سنگین بهداشت و درمان در شرایط جنگی را به دوش کشیدیم. در روزهایی که همه مردم برای نجات جان خود مناطق مختلف شهری را ترک می‌کردند، ما با همه نگرانی و دوری خانواده‌هایمان در محیط‌های نایمن کاری مشغول به کار بودیم و شرایط پر استرس جنگ را در نفیر موشک و صداهای مهیب انفجاری به پیش بردیم.

تمام مرخصی‌هایمان لغو شد و گاهی در شیفت‌های پی در پی خدمت‌رسانی کردیم. خانواده و فرزندانمان هم ناچار به تحمل شرایط کاری ما بودند.

گروه‌های امدادی از میان نیروهای بازنشسته بهداشت و درمان تشکیل شد و به صورت خودجوش در موارد لازم خدمت‌رسانی انجام گرفت.

جنگ انتخاب هیچ کدام از بخش‌های مردمی نبوده و نخواهد بود و ثروت و سرمایه موجود به جای رواج سیاست‌های جنگ‌افروزی باید برای بهبود و استانداردسازی ساختار ایمن و پایدار بهداشتی درمانی و بالاخص وضعیت صنفی-معیشتی ما پرستاران و کادر درمانی به عنوان سکاندار عرصه بهداشت و درمان قرار گیرد.

مقامات مسئول به جای تهیه امکانات و نیروهای کمکی در برخی از دانشگاهها از جمله در گیلان جلسات اضطراری تشکیل دادند تا فشار و تهدید بیشتری بر همکاران وارد آورده و مانع اعتراض آنها شوند.

ما پرستاران و کادر درمان، فشار بحران وضعیت جنگی را با حداقل امکانات به دوش کشیدیم، اما مثل گذشته به جای تقدیر از زحمات بی دریغ ما، خبر پرونده سازی قضایی برای همکاران ما در مشهد بار دیگر ثابت کرد که حاکمان مافیای بهداشت هیچ ارزشی برای زحمات ما قائل نیستند و تلاش می‌کنند با پرونده سازی قضایی برای همکاران معترض مبارزات ما را به عقب برانند.



وضعیت جنگی و شرایط بحرانی نه تنها ما را از پیگیری خواسته‌های برحقمان بر حذر نمی‌دارد بلکه با عزمی راسخ تر اعلام می‌کنیم:

رفتارهای سرکوبگرانه حاکم و پرونده سازی‌های قضایی فوراً باید پایان یابد و پرستاران اخراج و تبعید شده به کار بازگردند. اجرای قانون فوق‌العاده خاص با امتیاز حداکثری، تعرفه گذاری و ثبت در احکام حقوقی

پیاده شدن قانون بازنشستگی قبل موعد

پرداخت به موقع رفاهیات و مناسبتی‌ها

اجرای بدون تبعیض و کامل

قانون معافیت مالیات مشاغل سخت

شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران- تیرماه ۱۴۰۴

برای تغییر فردا امروز متحد شویم! معیشت پرستار، سلامتی بیمار

"تورم دلاری، حقوق ما ریالی"، "فقط کف خیابان بدست میاد حقون"

پرستار داد بزن، حق تو فریاد بزن، وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه

پرستار نباشه، سیستم از هم می‌پاشه، اضافه اجباری، نمی‌خواهیم، نمی‌خواهیم

جنگ افروزی کافیه، سفره ما خالیه، پرستار میمیرد ذلت نمی‌پذیرد

اتحاد و اعتراض سراسری، رمز پیروزی ماست! (برگرفته از مدیای اجتماعی)

آتش بس شد! اما جنگ ما مردم بر سر زندگی و معیشت آتش بس ندارد!

" در

بیانیه مشترک تشکل‌های کارگری و اجتماعی

جنگ ما مردم بر سر زندگی و معیشت آتش بس ندارد

امضاها:

- ۱- انجمن برق و فلز کرمانشاه
- ۲- اعدام نکنید
- ۳- دادخواهان
- ۴- شورای سازماندهی اعتراضات پرستاران
- ۵- شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت
- ۶- شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)
- ۷- مدافعان حق کودکی
- ۸- ندای زنان ایران
- ۹- جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی
- ۱۰- جمعی از بازنشستگان و معلمان شیراز



جدالی سخت و هر روزه هزینه سنگینی داده ایم و انقلابی را رقم زدیم که اعتراض به تبعیض علیه زن و بساط آپارتاید جنسی، حکم بر زنانه بودن آن داشت. انقلاب زنانه ای که خواهان آزادی و زندگی در خورشان انسان است.

جنگ امروز ما مردم با گرانی و تورم، با فقر و بیکاری و بی‌تامینی، با تبعیض و نابرابری، با فساد و رانت خواری، با سرکوب و زندان و اعدام و با کل بساط آپارتاید جنسی حاکم، در تداوم انقلاب و برای به پیروزی رساندن آن است.

در هراس از این جنگ است که حکومت بر ماشین سرکوب و جنایتش علیه ما مردم شدت داده است.

قاطعانه اعلام می‌کنیم که دیگر سال شصت و هفت نیست که بتوانند با تکیه بر شرایط بعد از جنگ و تحمیل خسارت‌های اسفبار، ما را عقب برانند و به سوداندوزی و چپاول ادامه دهند.

صفوف حکومت در هم ریخته است و در حلقه محاصره خواسته‌های پاسخ‌نگرفته ما مردم ناتوان است. ما انقلاب زن زندگی آزادی را پشت سر داریم. صف مان متحد است و امروز خود را محق تر و قویتر از هر زمان می‌دانیم و با برافراشتن بلندتر پرچم "زن زندگی آزادی" فریاد برمی‌آوریم:

دیگر نمی‌گذاریم زندگی ما در مسیر اهداف جنگ طلبانه و چپاول و غارت حاکم بیشتر به تباهی برود. دیگر نخواهیم گذاشت جان و مال ما را به یغما ببرند و چماق سرکوب بر سرمان بکوبند.

و اینک همانطور که در بیانیه‌ها و منشورهای تاکنونی مان اعلام کرده ایم: می‌خواهیم به صد سال استعمار و بربریت و حاکمیت از بالای سر جامعه خاتمه دهیم و بر شوراها و اعمال اراده مستقیم خود مردم تاکید داریم. امروز نیز متحدانه

بعد از ۱۲ روز جنگ و صدای مهیب موشک باران و ترک خانه و کاشانه برای امان ماندن جانمان، آتش بس اعلام شد. جنگی که انتخاب ما مردم نبوده و تاکید همیشگی ما در تجمعات و بیانیه‌های اعتراضی، پایان دادن به جنگ و جنگ افروزی بوده است.

ما مردم با صدای رسا اعلام کرده بودیم که سلاحهای کشتار جمعی و تسلیحات هسته‌ای و موشکی نمی‌خواهیم. جنگ و کشتار نمی‌خواهیم و رفاه ماندگار را حق خود می‌دانیم.

اما سیاست‌های جنگ افروزانه حاکمان به جنگی منتهی شد که ضربه‌ای مهلک‌تر بر زندگی و معیشت ما مردم زد. بخاطر موشک بارانها ناگزیر به ترک خانه و کاشانه خود شدیم که هنگام بازگشت، در بسیاری از نقاط با دیوارهای فرو ریخته و شیشه‌های شکسته و آوار خانه‌هایمان روبرو شدیم.

روزهای سختی بر ما گذشت. اخبار زندانها و آنچه در زندان اوین گذشت و انتقال شبانه زندانیان، خشم همه ما را افزون‌تر ساخت.

در روزهای جنگی، حکومت کوچکترین ارزشی برای جان ما قائل نبوده و تنها برای بقای خود، جنگ را علیه ما مردم در خیابانها به پیش می‌برد.

گشت‌هایشان را در خیابانها مستقر کردند و شمار بسیاری با اتهام پوچ جاسوسی اسرائیل دستگیر شدند که وضعیت آنها موجب نگرانی عمیق ما مردم است. در کنار دستگیریهای فله‌ای، دستگیری فعال دفاع از حقوق کودک و معلم و معترضین جنبش "زن زندگی آزادی" را در پی داشته‌ایم.

در حالیکه جاسوسان در رده‌های بالای نظامشان، لانه کرده‌اند در هراس از فوران خشم ما مردم و اعتراضات بر حق ما "طرح جدید تشدید مجازات جاسوسان و همکاری‌کنندگان با اسرائیل" را تصویب کرده‌اند که بی‌شک در حلقه اعتراضات متحدانمان همانند همه سیاستهای سرکوبگرانه به شکست کشیده خواهد شد.

به دنبال جنگ، گرانی‌ها بیشتر و کمر شکن‌تر، وضع معیشتی وخیم‌تر و بی‌تامینی و بیکاری بیشتر و بیشتر شده است.

در روزهای قبل از این جنگ موجی از اعتراض علیه فقر و گرانی بر پا کرده بودیم و اعتصاب قدرتمند رانندگان کامیون، گفتمان اعتصابات سراسری را به عنوان یک راه حل هرچه بیشتر به جلو آورد.

اکنون بدنال جنگ دوازده روزه جدیدی از مبارزه برای مطالبات پاسخ‌نگرفته ما و علیه مصائب جنگی که همراه آورده است، آغاز شده است.

همه می‌دانیم که هزینه این جنگ و جنگ افروزی‌های حکومت، هزینه سنگین نظامی و سلاحهای کشتار جمعی و تسلیحات هسته‌ای همه و همه از جیب ما مردم پرداخت شده و نتیجه اش کشیده شدن معیشت ما کارگران و ما همه مردم به فقر نابودی بوده است. هزینه سلاحهایی که در دوازده روز دود شدند و به هوا رفتند و هنوز هم شاهد این هستیم که از احیای این سلاحها صحبت می‌کنند.

ما مردم، سالهاست که در صفوف مبارزات شفاف و مطالبه‌گر خود، زندگی را فریاد زده ایم. اجازه نخواهیم داد بر آوار اقتدار پوشالی حاکم، دوباره خونمان را در شیشه کنند. رساتر از هر وقت فریاد اعتراضمان را علیه هر نوع سیاست جنگ افروزانه بلند می‌کنیم.

ما کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، دادخواهان، ما زنانی که فاتحین خاکریز حجاجیم، ما همه مردم در صف بزرگ جنبش "زن زندگی آزادی"

اطلاعیه مطبوعاتی پایانی کنفرانس روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران



این کنفرانس گامی مهم جهت همبستگی و اتحاد قویتر فعالین جنبش آزادی زندانیان سیاسی و جنبش دادخواهی بود. کمیته آزادی زندانیان سیاسی تمام تلاش خود را جهت دست یابی به این همبستگی و هر چه قویتر کردن جنبش دادخواهی جهت سرنگونی رژیم اسلامی به کار خواهد گرفت.

کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران
اول جولای ۲۰۲۵، ده تیر ۱۴۰۴ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

کمیته آزادی زندانیان سیاسی افتخار دارد اعلام کند کنفرانس روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی را روز ۲۸ ژوئن در دانشگاه گوته شهر فرانکفورت با حمایت ۱۱ نهاد و سازمان حقوق بشری برگزار کرد.

این کنفرانس با شرکت بیش از دویست شرکت کننده که به شکل حضوری و آنلاین در آن شرکت کردند و سخنرانی فعالین حقوق بشر و فعالین سیاسی، زندانیان سیاسی سابق، فعالین اقلیتهای دینی و اتیکتی، جامعه ال جی بی تی کیو پلاس، خانواده های دادخواه و خانواده های زندانیان سیاسی، آسیب دیدگان چشمی انقلاب "زن، زندگی، آزادی"، حقوق دانان بین الملل و اعضای جامعه پزشکی با سخنرانی های به روز و زنده در ارتباط با شرایط سیاسی پس از جنگ و جنبش دادخواهی از دهه شصت تا به امروز با هدف متحدتر شدن و قویتر شدن صدای عدالتخواهی و حقیقت، برگزار شد.

سخنرانان حول موضوعاتی از جمله، حمله به زندان های دیزل آباد و زندان اوین، انتقال امنیتی همراه با خشونت زندانیان سیاسی زندان اوین، شرایط غیر انسانی و خطرناک زندانیان بیمار در پی این تبعید و بررسی حقوق بین الملل و پزشکی زندانیان در شرایط جنگی و پس از انتقال آنان، بی خبری از سلامت زندانیانی که در سلولهای انفرادی بسر میبردند، سرکوب و بازداشت مردم و خانواده های دادخواه، اعتراض زندانیان در سه شنبه های نه به اعدام و خانواده ها در ایران در همراهی با این سه شنبه ها و علیه اعدام، سرکوب و بازداشت اقلیتهای اتیکتی، دینی و جامعه ال جی بی تی کیو پلاس و خطرات جانی که زندانیان سیاسی و عقیدتی در پی سیاست های ضد بشری رژیم با آنها روبرو هستند و هم چنین راهکارها در زمینه های حقوقی و پزشکی، سخنرانی کردند.

آتش بسی شد! اما...

از صفحه ۱۴

با بر افراشتن پرچم #زن_زندگی_آزادی اعلام می کنیم که:

تنها آلترناتیو مردمی، اعتراضات خود ما مردم در کف خیابان برای پایان دادن به جهنم حاکم است.

ما امضا کنندگان این بیانیه در دفاع از زندگی و معیشتمان می جنگیم و آزادی زندانیان سیاسی و توقف اعدامها کارزار فوری ماست و با کسانیکه در این راه مبارزه می کنند، همراه هستیم. ما همچنین در کنار خانواده های داغدار، زندانیان سیاسی، اقلیت های ستمدیده و همه قربانیان سرکوب ایستاده ایم و اتمام حجت کرده و می گوئیم: عزم راسخ ما، ادامه انقلاب مان برای پایان دادن به همه بساط بربریت و

ساختن دنیایی شاد و مرفه، بدور از تبعیض و نابرابری، تحقق عدالت و دادخواهی و ساختن جهانی آزاد و برابر به دست توانای ما مردم است. #زن_زندگی_آزادی امضاها:

- ۱- انجمن برق و فلز کرمانشاه
- ۲- اعدام نکنید
- ۳- دادخواهان
- ۴- شورای سازماندهی اعتراضات پرستاران
- ۵- شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت
- ۶- شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)
- ۷- مدافعان حق کودکی
- ۸- ندای زنان ایران
- ۹- جمعی از خانواده های زندانیان سیاسی
- ۱۰- جمعی از بازنشستگان و معلمان شیراز (برگرفته از مدیای اجتماعی)

حسین واحدی بازرسی انجمن صنفی فرهنگیان خراسان روانه

زندادان شد

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران روز هشت تیر حسین واحدی معلم بازنشسته، بازرسی انجمن صنفی فرهنگیان خراسان روانه زندان مرکزی بجنورد شد. حسین واحدی به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس محکوم است. شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکومیت حکم صادره برای حسین واحدی خواهان آزادی وی و سایر معلمان زندانی شد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی همصدا با شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان بر آزادی فوری و بدون قید و شرط و دیگر معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی تاکید دارد. با اتحاد مبارزاتی سراسری ابزار سرکوب و زندان را از دست حکومت خارج کنیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۱۰ تیر ۱۴۰۴، ۶ ژوئیه ۲۰۲۴

ترکمن عالم
(جهت پناهست)
فرکانس ۱۰۸۴۵
عمودی ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۲/۳

مشخصات فنی تلویزیون
کانال جدید

یوتلست، فرکانس ۱۱۳۸۷
افقی ۲۷۵۰۰

KANAL
دندان جدید
کانال جدید

بیانیه: "انجمن یاری کودکان در معرض خطر" در اعتراض به رد مرز کودکان



این بیانیه برای روزهای تلخ و ناگواری است که در آن با اشک و آه کودکانی روبه‌رو هستیم که امیدشان به تحصیل، امنیت و آینده‌ای روشن در سرزمینی دیگر، ناگهان فرو می‌ریزد. کودکانی که هراسان و نگران، همراه با خانواده‌های آواره‌شان، ناگزیر به بازگشت به سرزمینی می‌شوند که از آن گریخته بودند؛ جایی که نه امنیت دارند و نه امید، نه تعلق به آن احساس می‌کنند و نه پناهی برای زیستن.

با نهایت تأسف باید گفت که سیاست‌های سخت‌گیرانه، شتاب‌زده و ضد مهاجرتی، بدون آینده‌نگری و در فقدان عقلانیت و تدبیر، به اجرا درآمده است؛ سیاستی که نه تنها در پنهان‌کاری شکل گرفت، بلکه با بی‌توجهی مزمن به پیامدهای انسانی، اجتماعی و اخلاقی، سال‌ها مهاجران را در وضعیت نیمه‌قانونی، بی‌پناه و بی‌صدا نگاه داشته تا به‌عنوان نیروی کار ارزان، بی‌حقوق و آسیب‌پذیر به کار گرفته شوند و بار ناکارآمدی‌ها و مشکلات ساختاری کشور را بر دوش کشند.

ما شاهد بودیم حتی کارخانه‌های بزرگ یکی پس از دیگری تعطیل شدند، اما کارگاه‌های زیرزمینی و مراکز غیررسمی بازیافت، با جذب کودکان و بزرگسالان مهاجر، در سکوت کامل و بی‌قانونی ادامه یافتند. کودکانی که شبانه و در شرایطی ناامن از مرز عبور داده می‌شدند و مستقیماً به کارهای طاقت‌فرسا مانند زباله‌گردی و کار اجباری گماشته می‌شدند. اینجا اگرچه جنگی رسمی در جریان نبود، اما زندگی شب و روز مهاجران، شباهتی تلخ به اردوگاه‌های کار اجباری داشت. آن‌ها برای زنده ماندن، برای لقمه نانی ناچیز، جان می‌کندند؛ بی‌آنکه صدای‌شان شنیده شود.

و امروز، همان کودکان، همان خانواده‌هایی که در حاشیه‌ها، در آلودگی‌ها و در سخت‌ترین شرایط ممکن تنها برای آموزش و آینده فرزندان‌شان پناه آورده بودند، با خشونت بی‌رحمانه از سرزمین ما رانده می‌شوند. خانه‌های اجاره‌ای خود را ناچار رها می‌کنند، بیعانه‌هایشان بازگردانده نمی‌شود و به اردوگاه‌هایی در مرزها فرستاده می‌شوند که حتی نان و آب کافی ندارند.

ما، سازمان‌های مدنی، فعالان اجتماعی، و انسان‌هایی از دل همین جامعه، سال‌هاست درباره نقض حقوق کودکان هشدار داده‌ایم. تأکید ما همواره بر اجرای

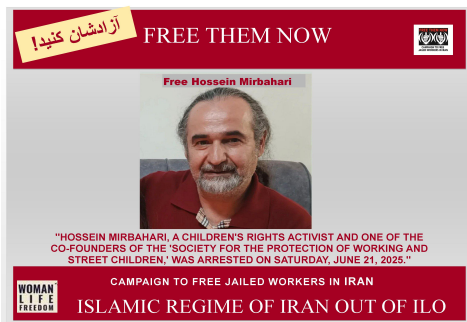
اصول کنوانسیون حقوق کودک بدون هیچ‌گونه تبعیض بوده است. چرا باید کودکان قربانی تصمیم‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی شوند؟ در کدام ماده از قوانین ملی یا بین‌المللی، «اخراج» برای کودکانی که نه تهدیدی‌اند و نه مجرم، قابل توجیه است؟ چه کسی پاسخ‌گوی سرنوشت دخترانی خواهد بود که اکنون باید به دستان طالبان سپرده شوند؟ چه نهادی مسئول رنج روانی، بی‌خانمانی و محرومیت تحصیلی این کودکان است؟

ما هشدار می‌دهیم: اخراج کودکان، نقض آشکار و فاحش حقوق بشر است. حمایت از آن‌ها نه لطف، بلکه وظیفه حاکمیت‌ها و جامعه بین‌المللی است. ما خواهان توقف فوری روند اخراج کودکان مهاجر هستیم. ما خواهان ایجاد مسیرهایی قانونی، ایمن و انسانی برای حمایت از این کودکان هستیم. ما خواهان پایان دادن به نفرت‌پرانی رسانه‌ای و بی‌تفاوتی مسئولان نسبت به رنج انسانی هستیم.

بیباید زخم‌های مهاجران را عمیق‌تر نکنیم. بیباید به‌جای دشمن‌سازی، به همدلی تاریخی، انسانی و فرهنگی با مردم افغانستان تکیه کنیم؛ مردمی هم‌درد و هم‌سرنوشت، که امروز صدایشان در گلو خفه شده است.

کودکان را اخراج نکنید. کودکان را نجات دهید. پیش از آن‌که دیر شود. برگرفته از مدیای اجتماعی

در محکومیت دستگیری حسین میربهراری و ادامه بازداشت وی



دارو دارد. جمهوری اسلامی درقبال جان وی مسئول است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی همراه با خانواده میربهراری این فعال محبوب مدافع حقوق کودک و همصدا با همه حامیان وی بر آزادی فوری و بدون قید و شرط حسین میربهراری تأکید میکند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۱۰ تیر ۱۴۰۴، ۶ ژوئیه ۲۰۲۴

حسین میربهراری یکی از فعالین برجسته و قدیمی دفاع از حقوق کودک و از موسسان "جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان در ۳۱ خرداد ماه دستگیر شده است. بی‌خبری از او موجب نگرانی خانواده و همگان شده و خانواده‌ی وی در نامه‌های خود خطاب به مردم نوشته‌اند: "ما نمی‌دانیم عزیزمان در چه شرایطی به سر می‌برد. چرا بازداشت شده؟ چرا اجازتی تماس با خانواده‌اش را ندارد؟ چرا حتی اجازتی اطلاع‌رسانی درباره‌ی وضعیت دارویی‌اش داده نمی‌شود، با اینکه می‌دانیم بدون دارو سلامتی‌اش در معرض خطر جدی است؟ از همه‌ی کسانی که صدای ما را می‌شنوند تقاضا داریم سکوت نکنند. سکوت، این بی‌عدالتی‌ها را ادامه‌دار می‌کند.

طی این مدت تشکلهای مختلف کارگری، اجتماعی و مدافع حقوق کودک طی بیانیه‌هایی اعتراض خود را به این دستگیری اعلام و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط حسین میربهراری شده‌اند. شماری از این تشکلهای عبارتند از: ۱۴ تشکل از فعالان حوزه حقوق کودک، انجمن یاری کودکان کمیته‌ی پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، اتحادیه آزاد کارگران ایران،

همانطور که خانواده میرحسن بهاری اطلاع‌رسانی کرده‌اند. او نیاز به درمان و

بمناسبت بیست و سومین سالگرد درگذشت منصور حکمت

او ضرورت زمانه بود

متن سخنرانی حمید نقوائی در اولین مراسم بزرگداشت منصور حکمت - اوت ۲۰۰۲



رو کنند، کارگرانی بخوبان آمده بودند که رفاه میخواستند، آزادی میخواستند، برابری میخواستند. و آن جنبش دوران فترت، آن جنبش عقب مانده و پوسیده طبقات غیر کارگر، خرده بورژواها و

بورژواهای ایران که لای فشار امپریالیستها و دیکتاتوری شاه له شده بودند و بقول خود منصور حکمت در تمام عمر زیر شل سلطنت ناخنهاشان را جویده بودند و به: "اسلام رهائیش" آوانس های خودشان را داده بودند، آنها میخواستند به کارگر جواب بدهند. کارگر گفت نه! تو نماینده من نیستی! من صدای تو را نمیشنوم! انقلاب نماینده میخواست، صدا میخواست، انقلاب بلندگو میخواست و منصور حکمت آن بلندگو بود. (کف زدن حضار)

به کارگران میگفتند بخشی از بورژوازی معذور است، چون مترقی است، ملی است، حاجی برخوردارها هستند، کبریت سازی های تبریز هستند، مال خودمانند، و کارگران را از جلوی کارخانه ها بر میگرداندند، میگفتند اعتصاب نکنید. میگفتند خمینی مترقی است، جنبش خودمان است، میخواهد آفتابه مسی بیاورد، پول نفت را قرار است قسمت کند، خانمش پیانو میزند. در استراتژی و تاکتیک آن جنبش چپ خمینی جا داشت، اسلام "رهائیش" بود. آن جنبش راستش خمینی بود و چپش چریک فدائی. ولی همه از نظر آرمان و افق یک چیز را میخواستند. میخواستند ایران مستقل و خود کفا بشود، سرمایه داری روی پای خودش بایستد، و فرهنگ خودمان و آداب و رسوم خودمان را داشته باشیم. طبقه کارگر، کارگران بنز خاور، کارگران بیکاری که تحصن کردند، و منصور حکمت پلاتفرمشان را نوشت و بدستشان داد، کارگرانی که در اصفهان بلند شدند و کوبیده شدند؛ اینها دیگر به این صداها گوش نمیکردند. آنها منصور حکمت را میخواستند. ضرورت زمانه بود منصور حکمت. صدای بشریت در انقلاب ۵۷ بود. انقلابی که شکستش دادند ولی بدون منصور حکمت آبرویش را میبردند، افکش را کور میکردند، سروشها و خاتمی ها ادعای نمایندگی را میکردند. بدون منصور حکمت تاریخ شکست نخوردگان را کسی نمی نوشت و کسی نمیساخت این تاریخ را. (کف زدن حضار)

ژوبین رازانی، جوانی که با مارکسش و با کتاب کاپیتالش راهی ایران شد در سال ۵۷، آغاز انقلاب، پشتش به این جنبش فترت نبود. از چپ جبهه ملی انشعاب هشتمش جدا نشده بود، از انشعاب پنجم حزب توده هم جدا نشده بود، شاخه دوم چریکیسم آمریکای لاتین هم نبود. او اومانیست بود، شور بود، زندگی بود، و نقد کاپیتال مارکس بود. او آمد و گفت بورژوازی ملی نداریم، ثابت کرد نداریم. ایران سرمایه داری است. چرت است میخواهید این سرمایه داری را رشد بدهید. همین است که هست. یا سوسیالیسم یا بدبختی و فترت و قهقرا. آزادی را به جنبش کارگری بست. گفت این دیکتاتوری را میبینید، بخاطر اینست که میخواهند تسمه از گرده کارگر بکشند و تمام جامعه را باین خاطر در محاق قرار داده اند، در اختناق و خفقان قرار داده اند. این علت دیکتاتوری شاه است، این بخاطر بدجنسی شاه و یا سگ زنجیری نیست. این ضرورت سرمایه است. آزادی میخواهید، سرمایه را بزنید. آن طبقه ای که میگفت اینطورست در خیابانها بود. این دیگر جنبش ملی نبود که جبهه ملی چی ها و حزب توده چی ها و فدائی چی ها ببرندش و بخوردش و به یغمایش

دوره هائی در تاریخ هست که بشریت نمایندگی نمیشود. مبارزه هست، همیشه مبارزه هست، مردم معترض هستند، آرمان آزادی هست، آرمان برابری طلبی و عدالت و رفاه هست، ولی زیرنویس تاریخ است، در متن نیست، به سیاست ترجمه نمیشود، در فرهنگ و هنر رسمی از کنارش میگذرند. و هر چه هست تباهی و سیاهی است. یک دوره نمونه این تاریخ دوره قرون وسطی است، و نمونه دیگر زمانه ماست اگر منصور حکمت نبود.

ما دهه های آخر قرن بیستم را زندگی میگردیم. دهه هائی که از آرمانهای انسانی اول قرن دیگر در آن خبری نبود. در سیاست ایران و در سیاست دنیا. دوره ای که، قری که با انقلاب اکتبر شروع شد، و با تاجریسم و ریگانیسم ختم شد. قری که با جنبش سوسیالیسم بین الملل شروع شد، و با اسلام سیاسی ختم شد. درست در این دوره است که منصور حکمت با به تاریخ میگذارد و میگوید نه، نباید اینطور باشد.

منصور حکمت زندگی سیاسی اش را با انقلاب ۵۷ شروع میکند. این چه نوع انقلابی است؟ این انقلابی است در پایان یک دوره فترت در تاریخ ایران. دوره ای که حتی آرمانهای ابتدائی که در انقلاب مشروطه داشتیم، مثل عدالتخانه، مثل آموزش و پرورش، مثل برابری، مثل بهداشت و علم که باید از غرب آورده شود، اینها همه محکوم شده و جای خودش را داده است به شرفزدگی. طالبوف و دهخدا جای خودشان را داده اند به آل احمدهای پلاستیکی. آرمان جنبش چپ آن دوره، که خود جزئی است از یک جنبش ضدشاهی، اینست که باید در مملکت سوزن بسازیم. اعتراض اینست که نفتمان را بردند، گویا، بقول دوستی، پولش را نمیدادند، و میخواست صنایع خودش را خودکفا کند، و آرمانش این بود که روی دوش و گرده طبقه کارگر آهن را از خاک پاک آن مملکت بیرون بکشد و اتومبیل را در خاک پاک آن مملکت بسازد. این آرمانی بود که جای آزادیخواهی بلشویکی اوایل قرن را گرفته بود و حتی جای آزادیخواهی طالبوفها و دهخداها و صادق هدایتها را.

انقلاب ۵۷ در آخر یک دوره فترت اتفاق افتاد و آرمان جنبش چپ آن دوره، آرمان جنبش ضدشاهی آن دوره - با غرولندهایش به اینکه سرمایه داری در ایران خوب نیست، عقب مانده است، وابسته است، ما سرمایه داری بهتری میخواهیم - ایرانی بود که فوقش از ترکیه و یا فرانسه آزمان فراتر نمیرفت. تمام ادعای ترقیخواهی و انساندوستی اش همین بود. در همان دوره در سطح جهان چپ ایران در کنار راست فرانسه قرار میگردد. شما اگر افکار چپ ایران را به ایتالیائی ترجمه میکردید، میدیدند شبیه موسولینی حرف میزند وقتی راجع به فرهنگ خودمان و نژاد پاک خودمان و آهن خودمان و آفتابه مسی خودمان و پیکان خودمان صحبت میکند. زمانه فترت بود، زمانه قهقرا، در ایران و آنطور که خواهیم دید، در تمام جهان.

اما انقلاب ۵۷ یک خصیصه کاملاً ویژه و متمایزی داشت با آنچه قبلاً اتفاق افتاده بود، با مثلاً جنبش ملی کردن نفت و اتفاقات سالهای سی و یا جنبش مشروطه. این تمایز نقش طبقه کارگر بود.

انقلاب با جنبش خارج از محدوده شروع شد، و این کارگران صنعت نفت بودند که گلوی رژیم شاه را فشردند و این جنبش کارگری بود که با اینکه زندش و به شکست کشاندنش رنگ خودش را بجامعه زد؛ همه دموکراسی را با شورا تعریف میکردند در ایران و هنوز هم دارند میکنند. حتی مزورانی که خواستند انقلاب را بنام انقلاب بکوبند و کوبیدند، مجبور شدند نام شورا را از لنینیسم، از بلشویسم، از کارگرانی که در خیابانها بودند، بگیرند. این کارگران جوانشان سوزن نمیتوانیم بسازیم و نفتمان را بردند، و آهنگ دوتار عاشیقهای آذری نبود. کارگران میخواستند دنیا را زیر و

داری ملی را رشد بدهند. آنها در تمام دنیا داشتند همین کار را میکردند. منصور حکمت گفت اینها مال ما نیست، مال طبقه کارگر نیست.

در این دوره منصور حکمت حزب کمونیست کارگری را ساخت. در زمانی که کمونیستها پرچمها را پائین کشیده بودند، داس و چکشها را پاک کرده بودند، رنگ سرخ را رویش رنگ سفید زده بودند، اسمشان را عوض کرده بودند. همه دموکراسی شده بودند، همه پارلمان شده بودند، همه کشف کرده بودند که شوروی شکست خورده و جز بازار آزاد راهی نیست. منصور حکمت در برابر همه اینها گفت نه! من حزب کمونیست کارگری را میسازم و تازه برمیگردم به مارکس، به کارگر تکیه میکنم و شد صدای آزادیخواهی بشر زمانه ما. از انقلاب ۵۷ بلند شد تا به تمام دنیا بگوید که دموکراسی پوچ است. دموکراسی بر سر آزادی انسان نیست، دموکراسی بر سر حاکمیت یک طبقه است. پارلمانتاریسم آزادیخواهی نیست. بشر یک فرد نیست که یک روز میروید رای اش را میگیرید. بشر کسی نیست که شما مثل بوکسورها در رینگ بوکس می اندازیدشان بجان هم و میگوئید ببینید رقابت جزء ذاتشان است، این ذات بشر نیست. دوفر را میگذارید جلوی هم و میگوئید بکش و یا کشته شو، خب مجبورست بکشد. کشتن جزء ذات بشر نیست، رقابت جزء ذات بشر نیست. منصور حکمت گفت بشر میخواهد آزاد زندگی کند و آزادی میخواهد، رهائی میخواهد. او انسان را به مارکسیسم برگرداند و مارکس را به کارگر برگرداند و سوسیالیسم و آزادیخواهی را به دنیا برگرداند. "دموکراسی، تعابیر یا واقعیات" را نوشت. نقد آن ناسیونالیسمی را نوشت که بعد از فروپاشی شوروی از یوگسلاوی بلند شد و همه جهان را گرفت. و امروز در ایران دارند طرح فدرالیسمشان را علم میکنند، و دارند تکه پاره کردن جامعه را خواب میبینند. منصور حکمت نقد ناسیونالیسم امروز را نوشت و گفت این ناسیونالیسم دوره مارکس نیست، ناسیونالیسم دوره لنین نیست، این قومپرستی است، این فاشیسم است. این انداختن همسایه ها بجان یکدیگر است، همانطور که در سراسر یوگسلاوی چنین کردند و فردا میخواهند در ایران همین کار را بکنند. اگر منصور حکمت در مقابلشان نبود مانعی برای این کار نداشتند.

او در مقابل اسلام سیاسی که دنیا را گرفت ایستاد. در دوره قهرانی که دنیا را داشتند بقعر تاریخ میبردند و همه لجن تاریخ را رو میآوردند، و مذهب میشد پرچم آزادیخواهی، اسلام در سیاست جا باز میکرد و اسلام سیاسی را حتی در غرب هم احترامش را داشتند، اگر گوشه تروریسمش به منافع غرب برنخورد چه اشکالی دارد؛ بگذار سر مردم خودش را ببرد. جزئی از نظام سیاسی دنیا شد اسلام سیاسی. اگر اسلام سیاسی منصور حکمت را در مقابل خود نداشت، دنیای ما بسیار تاریک تر میبود. اگر منصور حکمت در مقابل اسلام سیاسی نمی ایستاد، اگر در مقابل دموکراسی پارلمانی و ناسیونالیسم نمی ایستاد، و اگر در مقابل سرمایه داری بازار آزاد منصور حکمت را نداشتیم، آنوقت باید تاریخ شکست خوردگان را مینوشتیم.

در ۱۱ سپتامبر وقتی این اسلام سیاسی با معماران گذشته اش شاخ به شاخ شد و دنیا را آقای بوش تقسیم کرد به دو جبهه "یا با ما هستید و یا با تروریسم" منصور حکمت گفت نه، جهان دیگری هست، جهان متمدن. و پرچم جهان متمدن را بلند کرد در مقابل تروریسم ناتو و در مقابل تروریسم اسلامی. (کف زدن حضار).

منصور حکمت را از تاریخ معاصر بگیرد، به قرون وسطی میرسید. لنین را از این تاریخ پاک کردند، مارکس را پاک کردند، به دستاوردهای انقلاب اکتبر خندیدند؛ اگر منصور حکمتی نبود، بشریت دنیا، کارگران دنیا، نمایندگی نمیشدند، در زیرنویس ها هم نمی آمدند. امروز حزب ما در متن تاریخ ایران است و جنبش منصور حکمت در متن تاریخ جهان است. (کف زدن حضار).

و چه خوشبخت بودیم ما که همدوره او بودیم و همسنگر او بودیم و همرمز او بودیم. ما تاریخ شکست نخوردگان منصور حکمت را به تاریخ پیروزمندان تبدیل میکنیم. (کف زدن حضار).

بمناسبت بیست و سومین سالگرد ...

از صفحه ۱۷

ببرند. جنبش کارگری بود که میگفت آری، تو راست میگوئی. مارکسیسم انقلابی به کارخانه ها رفت. خواندندش، دورش جمع شدند، حزب درست کردند و بوسیله آن جنگیدند.

بدون منصور حکمت جنبش فترت آن جامعه را به اعماق جهنمی میرد که حتی تصورش امروز برای ما ممکن نیست. آن سیاهی که جمهوری اسلامی در ایران برقرار کرده و تمام آن اختناق که ۲۴ سال است در ایران حکمفرماست، و یکی از وحشی ترین و عقب مانده ترین دیکتاتورهای بشری است، یک نفر، یک جریان در مقابل آن ایستاد و هنوز هم ایستاده است؛ و در مقابل تمام آن خیل جنبش فترت که امروز زیر عبای خاتمی و دو خرداد جمع شده، مارکسیسم انقلابی و کمونیسم کارگری منصور حکمت ایستاد و گفت مذهب ضد انسان است، حقارت انسان است. آخوند خوب و آخوند بد نداریم. آخوندی هم که با عبای حریر بدنال شاپرکها میدود همان آخوندی است که با قیافه عبوس حکم سنگسار و اعدام را میدهد. اینها سروته یک کرباسند. بورژوازی را نه تنها در رژیم شاه بلکه در تمام جنبش ضد شاهی دوران فترت، در جنبش ناسیونال مذهبی آن دوره، افشا کرد و تا روز آخر عمرش همین کار را کرد. دوم خردادها از دست منصور حکمت خواب راحت نداشتند. هر کسی که میخواست بشریت را تحریف کند، هرکسی که قیافه اپوزیسیون بخودش میگرفت تا رژیم اسلامی را تثبیت کند، هرکسی که میخواست استحاله کند، هرکسی که میخواست سرمایه داری نوع ترکیه را بایران بیاورد، هرکسی که میخواست اسلام باصطلاح لیبرالیزه شده را بجای اسلام سرکوبگر بیاورد، در مقابل همه اینها منصور حکمت ایستاده بود و خفه شان میکرد. این کرکس هائی که دور انقلاب جمع شده بودند را منصور حکمت پراند و نگذاشت میراث انقلاب را بخورند. مشعل آن انقلاب در دست منصور حکمت بود، تا زنده بود، و امروز آن مشعل در دست ماست. (کف زدن حضار).

منصور حکمت در ایران حرف میزد، در انقلاب ایران پا بعرصه سیاست گذاشت، ولی ایرانی نبود، مارکسیسم ایرانی نبود، انساندوستی مرز ندارد، منصور حکمت مرز نداشت. بفارسی می نوشت ولی حرفهایش جهانی بود.

آن مارکسیسم و چپی هم که در ایران داشتیم در آنجا زاده نشده بود. سر رشته اش در جنبش چریکی و جنبش مائوئی و جنبش کمونیسم روسی بود که ترجمه اش در ایران آن گروهها شده بودند و در تمام دنیا همین بساط بود. ما این دوره قهقرا را در دهه های هفتاد و هشتاد و نود، در دهه های آخر قرن بیستم، در تمام دنیا داشتیم. از اواخر دهه هفتاد، از همان موقعی که انقلاب در ایران شروع شد، در تمام دنیا دوره فترت آغاز شده بود. جهان منصور حکمت را میطلبید و نه فقط یک جامعه در یک کشور. تاجریسم و ریگانیسم آمد و گفت همین است که هست. زندگی همین است. برابری طلبی محکوم شد، مطرود شد. آرمانگرانی به پوزخند گرفته شد، مارکسیسم را پائین کشیدند. محسمه لنین را بهمراه همه آرمانهای بشری به خاک کشیدند، گفتند همین است که هست. این دنیاست، دنیائی که ما ساخته ایم و شما راه بجائی ندارید. و بعد از فرو ریختن دیوار برلین چپها اسم و رسم عوض کردند، مارکسیسم دیگر مد نبود. جنبشهای دیگری که به مارکسیسم دست انداخته بودند آنرا کنار گذاشتند، و آزادیخواهی جرم شد، برابری طلبی جرم شد، آرمانگرانی جرم شد، حرف از انسان و انسانیت زدن جرم شد. ارزش و معیار همه ارزشها شد رقابت و سرمایه داری بازار آزاد. و دنیا به دموکراسی آقای بوش و آقای ریگان تعظیم کرد. و چپها ناگهان کشف کردند که دموکراسی مارکسیسمشان گویا کم بوده. همان مارکسیسمهائی که منصور حکمت گفت مال طبقه ما نیست. مال کسان دیگر است. همان مارکسیسمهائی که میخواستند با آل احمدهای پلاستیکی در ایران انقلاب صنعتی کنند و در ایران سرمایه